



شناختنامه کتاب

نام کتاب..... عفاف نماد هویت انسانی

براساس سخنرانی دکتر رحیم پور ازغدی

ناشر..... مطالب

جایگاه..... زلال کوثر

شمارگان..... ۱۰۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ..... ششم - بهار ۸۹

تعداد صفحه و قطع..... ۷۲ صفحه - رقی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۲۹-۶۷-۹

فقط کلیه حقوق منوی متعلق به مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری است و هرگونه استفاده وتکثیر و چاپ این اثر منوط به کسب مجوز می باشد.

آدرس تهران - خیابان جمهوری بین دانشگاه و اوریجن خیابان شهید باقی نژاد، ساختمان ۱۲۸ مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری تلفن ۳-۶۴۴۵۲۱۶۲

عفاف

نماد هویت انسانی

براساس سخنرانی

دکتر رحیم پور ازغدی

در همین سیر تاریخی می‌بینیم، مسأله برهنگی اجتماعی و به خصوص برهنگی زن، حداکثر مربوط به ۱۰۰ سال اخیر است. به خصوص از جنگ جهانی دوم به بعد، در غرب و اروپا برهنگی زن، به جای یک ضد ارزش و توهین، تحت عنوان آزادی به اسم یک ارزش مطرح شد و بعد از آن به کل جهان سرایت کرد.

به خاطر سلطه نظامی، فرهنگی و اقتصادی اروپای غربی و آمریکا در یکی دو قرن اخیر، این فرهنگ به همه جای دنیا، منتقل شد.

در ایران در قالب کثف حجاب توسط رضاخان و به دستور انگلیس و غرب با زور انجام شد، و حالا بدون نیاز به زور، با تدبیر رسانهای و با فرهنگ‌سازی و تبلیغات، کاری می‌کنند که بی‌حجابی با انگیزه‌ی درونی مورد استقبال واقع می‌شود.

برخی می‌گویند علت تقید مردم ایران به حجاب، قانونی بودن حجاب در ایران است، که این حرف سخن بی‌دلیل و مدرک و غلط است.

## اسلام و حجاب

ابتدا باید توجه داشته باشیم که بین بی‌حجابی با بدحجابی حداقل هفت نوع تفاوت وجود دارد:

یکی از این تفاوتها این است که همه بی حجاب‌ها فساد اخلاقی ندارند و بی‌حجابی هرگز با فساد اخلاقی برابر نیست. البته برخی از افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند دنبال فساد و شهرت‌رانی هستند. در حالیکه بعضی دیگر اصلاً به این معنا که، آیا بی‌حجابی فساد است یا نیست، توجه نمی‌کنند. البته ما

## تاریخچه حجاب

جامعه ایران از لحاظ پرورش زنان اخلاقی‌ترین یا یکی از اخلاقی‌ترین جوامع دنیاست. در حالیکه در بقیه نقاط دنیا بی‌حجابی و برهنگی وجود دارد و اکثر مردان و زنان بی‌حجاب و برهنه ظاهر می‌شوند و اقلیت با حجاب هستند، در ایران بی‌حجاب وجود ندارد. به این معنی که همان قشر بی‌حجاب هم با حجاب ناقص ظاهر می‌شوند.

حجاب قبل از این که تکلیف زن باشد، حق زن است.

ما در مورد این مسأله ادله‌ی متقن و مستدل و کافی، اخلاقی، عقلی، فطری و استدلالی قوی و متین داریم.

آنچه مسلم و کاملاً واضح است، این است که پدیده‌ی برهنگی تقریباً مخصوص شصت، هفتاد سال اخیر است. یعنی در قرن گذشته، در هیچ‌کجای دنیا نه شرق و نه غرب، نه در جوامع یهودی، زرتشتی، مسیحی، مسلمان، حتی قبائل دور افتاده، پدیده‌ای به نام برهنگی مرد و زن، به خصوص برهنگی زن، تقریباً اصلاً وجود نداشته است.

قانون حجاب هم فقط فکر و ایده‌ی دینی و اسلامی نیست بلکه مقتضی زندگی انسانی انسان است. شما به گذشته که نگاه کنید می‌بینید تمام انسانها اعم از مسلمان و غیرمسلمان تا ۷۰ سال پیش پوشیده بودند، و برهنگی را توهین به خود می‌دانستند.

خداوند سبحان در آیه ۲۱ و ۲۷ سوره اعراف می‌فرماید: که ای فرزندان آدم ما برای شما لباس فرو فرستادیم، بر شما باد لباس تقوی که بهترین لباس‌ها است. یعنی همین لباس و پوشش ظاهری دانتین، هدف نیست. در واقع هدف از همین پوشش ظاهری و لباس، تقوی، ایمان و کرامت انسانی شماست. مبارزه با برهنگی، فرهنگ مختص به اسلام نیست.

در ادامه حضرت حق می‌فرماید: این امور همه از آیات خداست، تا شاید خدا را به یاد آورید. مباد شیطان شما را فریب دهد! چنانچه پدر و مادر شما را فریب داد و از بهشت بیرون راند و برهنه کرد. مراقب باشید دوباره به همان دام نیفتید.

آن چیزی که الآن در گوش اجتماعی ما و در فرهنگ ایرانیان از آن به حجاب تعبیر می‌شود، در واقع در فقه اسلام از آن تعبیر به حجاب نمی‌شود. بلکه در فرهنگ قرآنی و فقه اسلام از آن به لباس و پوشش تعبیر می‌شود. حجاب در لغت به معنای پرده و پرده‌شینی نیست. پوشش و حجاب اخلاقی، به معنای عدم برهنگی در عرصه عمومی است. یعنی مبارزه با جنسیت‌زدگی جامعه و جهت حفظ امنیت اخلاقی اجتماع و در جهت تکامل معنوی فرد، به خصوص کرامت زن.

درحالیکه امروز برخی از جوامع بر اساس برهنگی و اصالت لائت بنا شده است؛ جوامع و فرهنگ‌هایی هم قبلاً داشتیم که بر اساس پوشش‌های سخت

نمی‌خواهیم این رفتار را توجیه کنیم، بلکه واقعیت این است که هر نوع بدحجابی و بی‌حجابی را نباید با بی‌حجابی برابر دانست.

بدحجابی و بی‌حجابی به هر دلیلی بد است. ولی این پدیده باید طبقه‌بندی شود و با هر کدام منحصرأ بر حسب خودش برخورد کرد. هر نوع بدحجابی و یا بی‌حجابی یک علت خاص دارد که باید شناسایی گردد. به بیان دیگر یکی از کارهای مهم این است که انواع حجاب و بی‌حجابی را باید طبقه‌بندی کرد. بر همین اساس نمی‌توان هر فرد با حجابی را، زن عقیقی دانست، همان‌گونه که هر زن بی‌حجابی را نمی‌توان بی‌عفت دانست.

نظریه‌ی عده‌ای این است که هر چه حجاب را بیشتر سخت بگیریم، بدحجابی بیشتر می‌شود. چون دختر عقیف و با حجاب در خیابان نمی‌چرخد. دختر بی‌حجاب است که مرتب در خیابان می‌چرخد و با خود فکر می‌کند همه در جامعه اسلامی ما همین‌طور هستند. در واقع این نظریه یکی از برداشتهای غلط و عوامانه در باره‌ی حجاب است.

البته نمی‌خواهیم بگیریم رابطه‌ی زن و مرد در جامعه ما اخلاقی است. اسلام اگر از نظر اخلاق اسلامی احکامی را مقرر نموده است و بر ترک برهنگی در عرصه‌ی عمومی تأکید می‌کند، از طرف دیگر راه مشروع ارضاء نیازهای جنسی را کاملاً باز گذاشته و بسیار آسان می‌گیرد.

ازدواج در فرهنگ اسلامی، آسان‌ترین کار است و هیچ مانعی از طرف دین در مسیر ازدواج قرار داده نشده است. این ما هستیم که این سنت الهی را دشوار نموده‌ایم. اتفاقی که در جامعه ما رخ داده این است که، راه مشروع ارضاء نیازها به خصوص نیاز جنسی را به دست خودمان مسدود نموده‌ایم. بگونه‌ای که ازدواج آفندر سخت و مشکل شده که شیشه‌ی مردن شده است.

دارد اما لباس انسان چه ربطی به کرامت او دارد؟ در هر لباسی انسان می تواند کرامت داشته باشد و یا کرامت خود را حفظ نماید، حتی بدون لباس هم می تواند کرامت داشته باشد! پس لباس و پوشش به شخصیت و کرامت انسان ارتباطی ندارد. اما نظر اسلام در این باره متفاوت است از نظر اسلام لباس نشان دهنده ی نوع شخصیت انسان است و شما می توانید از نوع لباس پوشیدن آدم ها تا اندازه ای به شخصیتشان پی ببرید.

### حجاب و زیبایی

بحث دیگری که در همین موقعیت مطرح می شود همسری احکام اسلام به ویژه حجاب با زیبایی دوستی و لذت بردن دیداری است. به بیان دیگر آیا حجاب به معنای نفی زیبایی و یا مبارزه با زیبایی و عشق نیست؟ و به معنای خبیث دانستن شهرت و سرکوب نمودن نیروی جنسی و لذت جنسی و دعوت به رهبانیت نیست؟ در جواب باید بگوییم که اتفاقاً اسلام نه تنها نیاز جنسی و جواب دادن به نیاز جنسی را در زن و مرد، کاملاً به رسمیت می شناسد بلکه برای آن آداب و شرایطی را بیان می کند که به لذت بردن انسان احترام می گذارد و سلامت جسمی و روحی و روانی انسان را تامین می نماید. در واقع اسلام برای تامین نیاز جنسی و رعایت حریم شخصی اقدام به وضع حقوق شرعی نموده تا حقوق مسلم تمام مسلمانان رعایت شود. پس اسلام هرگز به ریاضت و رهبانیت جنسی دعوت نمی کند.

این در حالی است که برخی ادیان تحت عنوان دین، معنویت و عرفان، اعتقاد دارند که گزینه جنسی ضد معنویت است. اگر کسی می خواهد رشد معنوی کند و به خداوند نزدیک شود، باید نیروی جنسی خود را سرکوب کند. اسلام

افراطی حتی جنس زن در خانه یا در حرم‌سرا بنا<sup>۱۱</sup> بود. اسلام حتی تعادل را رعایت می کند. اسلام هم با جنس زن در خانه و پوشش های افراطی و منع حضور زن در عرصه عمومی مخالف است و هم با برهنگی و آنلاست طلبی مخالف است لذا به زن اجازه داده است با رعایت پوشش و حریم عفاف و حفظ کرامت و احترام انسانی در فعالیت های اجتماعی حاضر شود.

### حریم حرمت انسان

سوالی بنیادی در فلسفه حجاب مطرح است که آیا بدن انسان حرمت دارد یا نه؟ آنهایی که طرفدار برهنگی هستند و از فرهنگ برهنگی حمایت می کنند برای بدن انسان حرمت قائل نیستند. اگر بتوانند همه جا را برای انسان جزیره عریانی می سازند.

انسان به عنوان انسان نه فقط روحش حرمت و کرامت دارد بلکه بدن او هم کرامت و حرمت دارد حتی با مردن هم حرمت بدن او از بین نمی رود بلکه بعد از مرگ هم بدنش حرمت دارد. لذا جنازه های که کنار خیابان افتاده، احترام دارد، به طوری که حتی از کنار جنازه ی غیر مسلمان هم نباید بی توجه گذشت. باید حرمت او را نگاه داشت.

اما فرهنگ برهنگی برای بدن در زمان حیات و زندگی هیچ حرمتی قائل نیست تا چه رسد به بعد از زندگی و مرگ. در این اندیشه، بین بدن انسان با بدن خوک فرقی وجود ندارد و هر دو مساوی هستند.

با این بیان، جواب این سوال نیز بدست می آید که آیا پوشش انسان با کرامت وی ارتباط دارد یا نه؟ آیا سبب تشریح حجاب حفظ حرمت و کرامت انسان در بعد بدنی و روحی است؟ شاید کسی بگوید انسان کرامت و احترام

زن، هر دو نقش دارند. جامعه اسلامی یک جامعه دو پایه است. مردانه و زنانه، متنی نقش زن و مرد یکسان نیست، اما آنجایی که به انسانیتشان بر می گردد، کاملاً یکسان است و هیچ تفاوتی با هم ندارند. یعنی ما تا یک مرزی هر دو انسانیم و مرد و زن مطرح نیست، در این محدوده تمام نقشها و احکام مثل هم است. اما در کنار این محدوده مشترک، مورفیت اختصاصی هم وجود دارد. به تعبیری در این محدوده فاکتورهای جنسیتی مطرح می شود. براساس این محدوده ما فقط انسان نیستیم، گروهی انسان مردیم و گروهی انسان زن.

نکته جالب توجه دیگر این است که سرکوب مطلق غریزه جنسی هرگز جواب مثبت و مورد نظر را نمی دهد. چون شهوت نیروی قابل سرکوب نیست و سرکوب پذیری آن بی معناست. لذا اگر پیش از حد به آن فشار بیاوریم طغیان و شورش می کند و همه حوزه های زندگی را بهم می ریزد. بر همین اساس اسلام هیچ مرزی برای رابطه مشروع جنسی و ازدواج نگذاشته است. نه مرز طبقاتی، نه مرز نژادی و نه قومی، حتی مرز سنی هم ندارد. یک پیرزن می تواند با یک جوان دوازده ساله ازدواج کند. یعنی هیچ مرزی برای این قضیه نگذاشته است.

وقتی دو طرف توافق اخلاقی و انسانی با هم داشته باشند، حقوق و حرمت همدیگر را رعایت کنند، شورش و طغیان غریزه جنسی منتفی می شود. بنابراین باید راهی را که شریعت اسلام به روی بشر باز نموده است برای همیشه و در همه حالات باز نگاهداریم و الا اگر این باب رحمت الهی بسته شود آه می به مرز شورش می رسد و تعادل روحی، معنوی و اخلاقی خود را از کف می دهد.

مثل کسی که خود را از برآورده ساختن غریزه جنسی محروم می سازد همانند کسی است که از مال دنیا فقط یک کاسه داشت. رفت لب جوی آب که آب بخورد. دید پسری با دست و بدون لیوان آب می خورد. با خود گفت

به عنوان یک دین الهی با این فرهنگ مبارزه کرده است. حتی ازدواج را سبب حفظ نبی از دین معرفی نموده و نماز مامل را با نماز مجرد از نظر ارزش متفاوت می شمارد.

در حقیقت اسلام با افراطی گری و حد ناساسی و رفتارهای جنسی ناعادلانه و غیر اخلاقی مخالفت می کند، نه با غریزه جنسی. پیامبر(ص) به عنوان کسی که متن سخنانش برای ما حجت است در مورد مسائل جنسی به راحتی صحبت می کند. پس دین اسلام دینی نیست که غریزه جنسی را حذف کند.

در دین اسلام هر چیزی جایی خاص دارد. مرد و زن مسلمان باید به توصیه ها و احکام اسلام دقیق و مو به مو بر اساس موقعیت و زمان و مکان پایبند باشند.

چه بسا اعمالی که درون خانواده کاملاً اخلاقی، اما خارج از خانه و خانواده کاملاً غیر اخلاقی است. مثلاً نمی توان در خانه و باهمسر همان رفتاری را که باید با یک مرد نامحرم در خارج از خانه داشت، پیاده کرد. یعنی دقیقاً دو نوع رفتار متضاد! یعنی مرد و زن با شریک جنسی خود فقط شریک جنسی نیست، شریک زندگی، شریک عاطفی، شریک اخلاقی هم است.

آنها دو نفر انسان هستند. فقط مسأله جنسیت مطرح نیست. رفتارش با کسی که با او پیمان بسته در مقایسه با کسی که غریبه است، کاملاً تفاوت دارد. و گرنه حتی یک حدیث در زمینه ی پلیدی و خیانت نیروی جنسی در متون اسلام وجود ندارد تا کسی بگوید در اسلام شهوت خبیث است و باید آن را سرکوب نمود.

اسلام به دنبال جامعه ی مذکر، تاریخ مذکر، فرهنگ مذکر نیست. اسلام به دنبال تاریخ انسانی، جامعه انسانی، فرهنگ انسانی و الهی است که در آن مرد و

نه فقط دوستی انسان ها با هم، بلکه دوستی مدار کلی عالم هستی است. پیوستگی اخلاقی، هسته اصلی جامعه انسانی را تشکیل می دهد. عشق، پرسته جامد فرد گرایی و خودخواهی را درهم می شکند و هنگامی از دیگر دوستی و خودفراموشی به پا می کند. بر خلاف عشق مادی که بر مدار خودخواهی می گردد، عشق انسانی و معنوی برپایه خود فراموشی است. یعنی در آن عشق، عاشق می خواهد معشوق را مصرف کند. ولی در این عشق عاشق می خواهد فدای معشوق شود.

عشق، حالتی معنوی و رحمانی است که بر کل هستی حاکم است و تجلی آن هم در مساله خانواده است.

نظریه دوستی، از انسان شناسی مشتعب می شود. از شکل ساده خانواده تا نظام اجتماعی و تعلیم و تربیت.

در جوامع فردگرا دوستی و عشق انسان ها، حتی بین زن و شوهرها به خاطر پروتکل های اجتماعی شکل می گیرد و تحمل می شود. یعنی زیر بار پلیس و دادگاه و قانون شکل می گیرد در این فرهنگ عشق به نازل ترین سطح خودش فروکاسته می شود.

ولی در فرهنگ الهی اسلام، عشق آغاز و پایان هستی و اصل هر چیز است. این سخن یک جمله عاشقانه نیست؛ بلکه فلسفه ای است که عشق و معشوق، اول و آغاز و سرانجام خلقت است. در روایت هم هست که عشق مادر به فرزندش یک عشق صد برابر کوچک شده عشق خوارزند به بنده اش است.

در واقع عاشقان دنیوی و مادی و حیوانی و غیر رحمانی نمی دانند که عاشق چه هستند، دچار شک و شبهه می شوند، و اشتباه از پشت سر به شاناه هر کس دیگری به بهانه معشوق دست می زنند و صلا می کنند و تا او بر می

جالب است بدون کاسه هم می شود آب خورد، کاسه خود را در آب انداخت. درست است که آخرت خیلی مهم است، ولی محل عبور و ورود به آخرت همین دنیاست.

نگاه اسلام به عشق، نگاه سراسر سیاه و تار و منفی نیست. اسلام با دنیا محوری و شهوت پرستی و کثیف شدن فضای جامعه، مبارزه می کند. چون به دنبال تعادل اخلاق است. نگاه اسلام نه تنها به عشق بلکه به شهوت هم منفی نیست.

فریاد به عنوان انسانی برجسته در روانشناسی و فرهنگ علوم انسانی معتقد بود که جنسیت یک نقش زیر بنایی و سیر پنهانی در همه رفتارهای انسانی و همه بیماری های روانی دارد. او نشان می دهد که فساد شدید اخلاقی و انحرافات جنسی در همان اروپای قرن ۱۹ وجود داشته است.

در اعتقاد اسلامی نباید جنسیت را حذف کرد و نباید فقط شخصیت و رفتار انسان را تفسیر جنسی کرد. بلکه باید حد تعادل رعایت شود. از نظر اسلام حفاف زیبایی و لذت پذیرفته نیست.

## عشق رحمانی

تئوری عشق، دوستی و محبت، بر حکمت اسلامی مبتنی است. نگاه فلسفی و عرفانی به عشق را به احکام اسلام در باب حجاب ارتباط دهید. چون به هم مرتبط اند. تئوری عشق در حکمت اسلامی و به خصوص در عرفان اسلامی، چشم انداز بسیار زیبا و مهمی دارد، یعنی عشق، ریشه هستی شناختی دارد. هستی و دوستی لاینفک هستند. اصلاً مدار هستی، دوستی است. این عین عبارات حکما و عرفاء ماست.

عصه شماسست. پس ما در این دنیا تنها نیستیم، درخت، جنگل، دریا، همه اقوام ما هستند. چه برسند به آدم‌ها!

### فلسفه حجاب

فلسفه حجاب نه مبارزه باعشق است، نه سرکوب غریزه‌ی جنسی و نادیده گرفتن آن، نه مبارزه با زیبایی و زیبایی‌شناختی.

اهداف حجاب روشن است. شهرت، به خودی خود نیروی عظیمی است که احتیاجی به هیچ‌گونه تحریک و برانگیختن ندارد. مثل منبع آبی که در ارتفاع قرار دارد؛ پر است و آماده ریختن. افراطی‌ها به این منبع به جای شیر کتول، بمب تقویت‌کننده وصل می‌کنند. با اندکی کوتاهی در مورد این غریزه، به طور ناخودآگاه تمام زندگی و مسائل اخلاقی زندگی تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

یکی از علل و فلسفه‌ی حجاب شاید همین حفظ گوهر عفاف باشد که بی‌حجابی موجب برانگیخته شدن غریزه جنسی شده و کنترل زندگی را از دست آدمی می‌رباید. زیرا در عرصه عمومی، انسانیت ما مقدم بر جنسیت ماست.

برخی می‌گویند حجاب سخت است. مگر روزه، جهاد، انفاق از مال، و نماز سخت نیست؟ ما معتقد به اصالت کمال هستیم نه اصالت راحت. اصالت راحت و اصالت کمال خود نماینده و سمبل دو فرهنگ هستند. انسان باید انتخاب کند زندگی حیوانی و یا زندگی الهی. معلوم است اگر به فرهنگ الهی دل سپردیم باید به بعضی سختی‌ها تن بدهیم. البته حجاب هم سخت هست، هم آسان.

گردد متوجه می‌شوید که سوء تفاهم شده است. این عشق هنوز نیامده سرد می‌شود. خاصیت عشق مادی این است که تا به وصال نرسیده یا همان اول رسیدن، سرد می‌شود، اما عشقی که فراتر از شهوت است و با پایه ربانی و رحمانی بنا می‌شود، هرگز سرد نمی‌شود، بلکه روزه به روز گرم‌تر می‌شود.

دو انسانی که نمی‌خواهند همدیگر را استعمار و مصرف کنند، برای همدیگر احترام قائل می‌شوند. جمال(عشق) به ذات فی نفسه چیز دیگری است. بقیه چیزها چمالشان مال خودشان نیست. جمال را از خداوند وام گرفته‌اند.

اگر اسلام می‌گوید با زیبایی‌های ظاهری را بر زیبایی ذاتی مقدم کنید، که نمی‌خواهد زیبایی‌های ظاهری را بر زیبایی ذاتی مقدم کند.

عشق جهان شمول، سراسر کیهان را به هم بسته و هم آغوش نگاه داشته است. دنیای مومنین پر از عشق و بهجت و سراسر معنا و کاملاً روشن است. اما در دنیای ملحدین؛ انسان، گرگ انسان است یا دست‌کم، بزویاه انسان؛ اگر به هم نزدیک می‌شوید از ترس هم است یا برای این که یکدیگر راه بر اساس قرارداد اجتماعی استخدام کنند یا بر اساس معادله وحشت یکدیگر را تحمل کنند. ولی در جهان مومنین دوستان برادر همدیگرند. انسان نه گرگ انسان است نه رویاه.

در دنیای عاشقان الهی برای دوری از هم و برای روبرویی علیه هم باید دلیل داشته باشید وگرنه اصل بر ولایت و دوستی است. ما با هم ولایت داریم، به هم پیوسته ایم. چون انبیا به ما می‌گویند که حتی جمادات و سنگ و در و دیوار، موجودات زنده، با شعور و مشغول تسبیح خداوند هستند. ما هم با آن‌ها در یک عالم هستیم. روایتی از پیامبر(ص) هست که می‌گویند مراقب عصه خود یعنی درخت نخل باشید. پیامبر(ص) خطاب به انسان می‌گوید که درخت نخل

درست است که زن و مرد هر دو انسان هستند و ارزش های انسانی میان آن دو بدون هیچ تفاوتی مشترک است. اما در خصلت های زنانگی و مردانگی بین آنها تفاوت هایی است که باید رعایت شود. رعایت این تفاوت ها به نفع زن و مرد و به نفع خانواده و جامعه است.

اگر زنان تشویق شوند که مردانه زندگی کنند مردانه حرف بزنند، مردانه لباس بپوشند، این درجه اول توهین به زن است. معنای این گونه ارزش قابل شدن این است که تو(ای زن) باید به ارزش های مذکر(مردانه) احترام بگذاری. زن و مرد به یک اندازه در تامین هدف خلقت شریک هستند و هر دو به یک اندازه از کمالات الهی و کرامات انسانی برخوردارند.

### مقام و منزلت مادری

در فرهنگ اسلام مادر و مادری آن قدر مقدس است که در روایات می فرمایند: از همان لحظه ای که یک زن، تجربه مادری را آغاز می کند، از وقتی باردار می شود، در ساحت قدس الهی است. به تعداد ساعات و دقیقه که صرف حمل فرزند می کند، برای او پاداش می نویسند و اگر مادر هنگام تولد بچه از دنیا برود، شهید محسوب می شود. ساعاتی که شب را بیدار است و صرف بچه اش می کند و مشکلاتی را برای او تحمل می کند، عبادت است. طبق روایات هیچ کس نمی تواند قدر زحمات و کرامت مادر را در رنج های این دوران ادا کند. زحمات مادر برای شیر دادن به فرزند و شب بیداری اش برای نوزاد مانند جهاد در خط مقدم نبرد در رکاب پیغمبر(ص) می باشد. خداوند در انتخاب بین مرد و زن روحیه، اخلاق و شخصیت زن را برای پروژه بزرگ انسان سازی و وارد کردن انسان های جدید به عالم هستی،

### زن و انواع تحقیرها

زن در دوره گذشته به اشکال مختلف تحقیر شده است و در دوره جدید به شکلی مدرن و پیچیده تر تن به تحقیر داده است و شاید تحقیر انتخابی او در حالی که در آموزه های اسلام، از زن به عنوان رکن خلقت یاد شده است. آدم در بهشت قبل از این که حوا را ببیند همه چیز در اختیارش بود. اما احساس تنهایی و غربت می کرد. در روایتی امام صادق(ص) می فرمایند: حضرت آدم در آغاز خلقت از خدا پرسید او(حوا) کیست؟ خداوند او را معرفی کرد. آدم گفت: با این حال که نخستین بار است او را می بینم اما با او انس دارم. بهشت با همه عظمتش چیزی را برای من کم داشت (موجب انس من به خورش نشد). بدون او زندگی در بهشت برای من سخت بود.

در روایت دیگری نقل شده است که حضرت آدم برای خلقت حوا به خداوند تبریک می گوید. و از او تعبیر به خلقت حسنی می کند. این احادیث به ما و به خصوص زنان درس می دهد که زنان هیچ وقت اجازه ندهند آنها را باملاک های مردانه بسنجند. فرهنگ مذکر، ادبیات مذکر، صدای کلفت، زورنازو را ملاک های انسانی بدانند و به شما تلقین کنند که شرط رسیدن شما به ارزش های انسانی، تحقق ارزش های مردانه است و باید در مردانگی از مردان سبقت بگیرید.

بزرگترین تحقیری که تحت لوای بزرگداشت نسبت به زن شده و می شود، این است که او را با خصلت های مردانه بسنجند و خصلت مردانه را معیار خصلت انسانی بگیرند و به زن تلقین کنند که تو باید بکوشی تا خصلت هایی مردانه پیدا کنی، تا به ارزش بررسی!



بوزند، حجاب اجمالی داشتند، برای اینکه آنها از احترام بیشتری برخوردار بودند و زنان طبقات متوسط به پایین تا قبل از اسلام در ایران و جاهای دیگر، باید بدون حجاب در جامعه حاضر می شدند، چون معتقد بودند که آنها از طبقات پست جامعه هستند و احترام ندارند. زنان این طبقات لازم نبود خودشان را بپوشانند.

اما اسلام معتقد است برای همه زنان باید احترام قائل شد و از حریم همه ی زن ها باید دفاع کرد. قانون حجاب در واقع همه زنان را از ابتلا به یک کالای جنسی عمومی و کالای تجاری، به یک انسان محترم ارتقا بخشید.

در فرهنگ جاهلیت قدیم، هر مرد می توانست صدها زن را در پوشش ازدواج یا غیر ازدواج تملک کند و حرم سرا تشکیل دهد.

در فرهنگ به اصطلاح مدرن که در واقع جاهلیت جدید است و امروز در دنیا پر رونق گشته و حاکمیت پیدا کرده از طریق روزنامه ها و رسانه های اخلاقی ترویج می شود، باز هم مرد می تواند بدون ازدواج و بدون تعهد اخلاقی و حقوقی، از طریق روابط آزاد غیر اخلاقی، ده ها و بلکه صدها زن را با پول و یا حتی بدون پول مورد استثمار قرار دهد.

اسلام از زن و همین طور از خانواده دفاع کرد و برایش حرمت و قداست قائل شده و جلوی استثمار زنان را گرفته است. اسلام برای ازدواج، سقف بسیار محدود گذارده و فرهنگ حرمساز را درهم شکسته و تازه شرایط همین سقف محدود را هم اجرای عدالت قرار داده که کار بسیار سختی است و در واقع اسلام تعدد زوجات را مهار کرده است. از طرفی هم جلوی روابط توهین آمیز مدرن را گرفته است. در دنیای امروز زن به نام روابط آزاد، «دوستی»، «دوستی پسر و دختر» و... بدون قرارداد و تعهد اخلاقی مشخص و مقررات

مستعدتر و آماده تر دید. به همین دلیل روایات در باب تفصیل شأن مادر بر پدر بسیار رسیده است. در روایت نقل شده از پیامبر (ص) می خوانیم که شکستن نماز مستحبی، برای پاسخ به ندای پدر لازم نیست، ولی به محض صدا زدن مادر باید فوراً نماز مستحبی را شکسته و جواب مادر داده شود.

پیامبر (ص) فرمود: بین فرزندان تفاوت قائل نشوید، همه آنها را ببوسید و بیوئید و برایشان هدیه بپیرید. اما اگر هم قرار شد تفاوتی قائل شوید، حتما دختران را بر پسران مقدم بدانید. این روایات، همه نشان دهنده نگاه ویژه اسلام به زن است. البته حقوق و تکالیف او با هم توأمان هستند.

### اخلاق جنسی و احکام زیبایی در اسلام

یکی از مباحث قابل توجه جایگاه زیبایی در ازدواج و رفتارهای جنسی است. زیبایی در ازدواج به عنوان شرط اساسی باید در نظر قرار بگیرد یا نه؟ و چه جایگاه و رتبه ای دارد؟ اسلام از ابعاد مختلف اخلاقی و حقوقی و انسانی به مساله زیبایی نگاه می کند. هم مصالح کوتاه مدت دنیا و آخرت آن را در نظر می گیرد و هم به مصالح دراز مدت آن در هر دو جنس توجه دارد.

اسلام به دفاع از حریم دختر (زن) به شدت حساس است و دختران را به این قاعده که برای خودشان احترام قائل باشند، توجه می دهد. دختر و پسر هر دو باید برای خود احترام قائل باشند. ولی این حرمت قابل شده برای دختران و همین طور از طرف آنها برای خودشان مورد تاکید قرار گرفته است.

توجه دارید که زن تائیس از اسلام مملوک بود، بعد از اسلام، حق مالک شدن یافت. ارزش زن پیش از اسلام صرفاً به بدش بود، از زن استفاده تجاری و شهنشاهی می شد. فقط زن ها در طبقات بالا و اشراف تا حدودی پوشیده

متولد می شوند و خداوند از طریق مادر عمل مقدس آفرینش را انجام می دهد و به همین دلیل بدن مادر، حرمت و قداست دارد. مادر حرمت اخلاقی دارد و بنابراین با حکم حجاب، اسلام برای بدن زن، احترام اخلاقی قرار داد. برای این که بدن مادر مجرای ورود انسان های جدید است باید این بدن پاک بماند و نباید مورد سوء استفاده قرار گیرد.

همین که خداوند زن را برای این مأموریت برگزید نشان از اهمیت زن و جایگاه ویژه زن در دستگاه خلقت و تشریح الهی می دهد چون از رهگذر وجود زن انسان ها وارد عالم هستی می شوند.

### دوستی با جنس مخالف

اسلام بین پسر و دختر حریم اخلاقی قرار داد. از درون در قالب حیا و عفت و از بیرون با حجاب. اعلام کرد دوستی زن و مرد بدون تعهد اخلاقی و حقوقی، یعنی بدون ازدواج ممنوع است. اگر کسانی بدون قرارداد شرعی و تعهد اخلاقی دوست شوند این دوستی بین زن و مرد دوستی نیست. این دشمنی است خصوصا برای دختر. چون اولین قربانی این ارتباط زن است. چرا که زن در این شبه دوستی ها که در واقع دوستی نیست، به کالا تبدیل می شود. قرآن به مساله دوستی بین دختر و پسر اشاره کرده است. تعبیری که در قرآن برای بیان این نوع دوستی ها آمده واژه ی «مختلنان اخلاک» است. دخترانی که با پسرها و مردهای متعدد بدون این که برای خود حریم اخلاقی قائل شوند، دوست می شوند، در واقع خودشان برای خودشان احترام قائل نمی شوند. معمولا مردان فاسدی که به اسم دوستی آزاد به دختران و زنان متعدد نزدیک می شوند، اقدام به خوشگذرانی می کنند، آن ها به زن به چشم انسان نگاه نمی

حقوقی و... به یک کالای مصرفی تبدیل شده است. اما اسلام می گوید هر نوع رابطه ای بین زنان و مردان باید با احترام متقابل همراه باشد و حقوق طرفین رعایت گردد. در این بین به رعایت حقوق زن، اهم از حقوق اقتصادی، حقوق اخلاقی، حقوق جنسی و به ویژه رعایت اخلاق انسانی اهتمام بیشتری قابل است. اسلام به زن استقلال، شرف و تشخیص داد و برای زن هم حقوق و هم حریم و حرمت تعریف کرد. اسلام به مردان آموخت که به جای استثمار زن و مصرف او و به جای رها کردن زن در معرض تهدید رقابتهای اقتصادی بازار آزاد و تبدیل زن به کالای بازاری و در اختیار مردان متعدد قرار گرفتن، به زنان احترام بگذارند و از زن حمایت نمایند.

### زن در دو فرهنگ جاهلیت قدیم و مدرن و اسلام

دو فرهنگ غلط راجع به زن وجود دارد. هر دو فرهنگ زن را یک شیئی می شمارند، نه انسان.

۱. فرهنگ جاهلیت قدیم و قبل از اسلام
  ۲. فرهنگ جاهلیت جدید و به اصطلاح مدرن
- در هر دو فرهنگ ، در واقع بزرگترین خیانت و صدمه را متوجه زن نمودند. در جاهلیت سنتی مردها به جای احترام به زن و حمایت از وی، او را تملک می کنند. در جاهلیت مدرن زن را همانند کالا مصرف می نمایند و بعد از مصرف و تا تمام شدن دوره مصرف دور می اندازند.

اما اسلام دستور داد مردان باید هم به زن احترام بگذارند و هم از او حمایت کنند. رابطه مرد و زن باید عادلانه و اخلاقی و انسانی و مطابق با شرع باشد. اسلام اعلام کرد زن مظهر آفرینش است. یعنی همه ی انسان ها از بدن زن (مادر)

می گویند به همان دلیلی که با تو دوست شدم، ممکن است با کس دیگری دوست شوم و می گویند من فقط به دنبال لذت خودم هستم و دنبال هدفی فراتر از آن نیستم.

ارتباط با جنس مخالف خلوت و جلوت ندارد در روایت نقل شده از اهل بیت (ع) می فرمایند: دختر و پسر با هم در یک مکان تنها نباشند، حتی اگر با حجاب و با عفت هم باشند. چون خداوند نیروی بسیار قوی طبیعی جنسی در دختر و پسر به ودیعه نهاده است.

### ازدواج موقت یا دوستی با جنس مخالف

برخی گمان می کنند که ازدواج موقت در اسلام چیزی شبیه همین «دوست دختر و پسر» است، منتهی دوست دختر و دوست پسر اسلامی را در حالیکه واقعیت این نیست. ازدواج موقت را اسلام برای مواردی خاص که امکان ازدواج دائم وجود ندارد، تشریح نموده است تا به هر دلیلی وقتی کسی به بن بست رسیده و امکان ازدواج دائم و تشکیل خانواده دائمی برای او فراهم نشد، بتواند با رعایت شرایط شرعی، خانواده موقت تشکیل دهد. در حالیکه این نوع ازدواج اگر شکل بگیرد آن دو نفر با هم زن و شوهر هستند و اسم زن و شوهر روی آن ها مصداق دارد نه دوست دختر و دوست پسر. آنها با وجود آنکه نتوانستند یک خانواده دائم را تشکیل دهند اما باید حقوق متقابل، اخلاق زن و شوهری را رعایت نمایند. در واقع ازدواج موقت مثل پله های اضطراری یک آپارتمان می ماند. یعنی اگر به هر دلیل امکان ایجاد شرایط برای ازدواج دائم غیر ممکن بود، ازدواج موقت با رعایت شرایط مجاز شمرده می شود. چون اسلام نمی خواهد در هیچ شرایطی نیاز جنسی سرکوب شود. ممکن است آن

کنند. ممکن است که الفاظ خیلی شیرینی به کار ببرند، اما به او در آن لحظه به چشم یک انسان نگاه نمی کنند. به چشم یک کالا نگاه می کنند. به همین دلیل اغلب این گونه مردان حاضر نیستند آن زن را به عنوان همسر خود انتخاب کنند. مدتی با او در قالب دوستی تفریح می کنند و بعد او را رها ساخته و به زندگی خود می اندیشند. اغلب دوستهای دختر و پسر از این گونه است و پسر می گوید، او زن زندگی نیست و نمی تواند قابل اعتماد باشد. چون او که به این راحتی با من ارتباط برقرار می کند، فردا با کس دیگری نیز چنین ارتباطی برقرار می کند!!!

این مساله مهمی است و اگر هم استثناء مواردی پیدا شود که دوستی های غیر اخلاقی به ازدواج منجر شود، کمتر به ازدواج موقت و سعادت بخش منتهی می شود. چون شروع زندگی شروع غیر اخلاقی و غیرمتعهدانه بوده. این نوع شروع یعنی صرفاً لذت گرایانه تصمیم گرفتن و اقدام نمودن یعنی شروع خودخواهانه و بدون رعایت حقوق طرف مقابل، معمولاً این زندگی دوام ندارد لذا یا به طلاق گرم منجر می شود یا به طلاق سرد. چون زندگی بر پایه ایثار و تعهد اخلاقی بنا نشده و مبنای آن صرفاً شهوترانی و یا انتخاب متأثر از انگیزه های شهوانی بوده است، بنابراین این زندگی با دوام نیست. یعنی بنیان الهی خانواده که روح عشق است در آن وجود ندارد. بر پایه نیاز شهوانی بنا شده و صرف شهوت برای بقاء خانواده کافی نیست. اگر پسر از دختری بدون رعایت حق و حقوق خانواده به هم نزدیک شوند یعنی مبنای ارتباطشان، فقط مساله شهوت باشد و در آن اخلاق و حقوق متقابل رعایت نشود، بعد از مدتی آن دو برای هم عادی می شوند و بعد ممکن است زن با مرد دیگری و مرد با زن دیگری عین همین رابطه را برقرار کنند. البته به صورت علنی نه) چون با خود

باران که اگر از بالا به صورت منظم و آرام کنترل شده فروآید، مایه حیات است. اما اگر به سیلاب و آب پر فشار تبدیل شود، مایه نابودی و مرگ است. قوا و استعداد‌های انسانی هم همین طور. اسلام شهوت را یک نیروی خبیث نمی داند اصلاً اگر پسر یا دختری غریزه شهوت و نیروی جنسی ندانسته باشند، مشکل دارند و بیمار هستند و تعادل روانی ندارند.

اسلام یک مذهب ضد شهوت و ضد غرایز نیست. اسلام می گوید نباید شهوت را سرکوب کرد و نباید آن را مطلقاً آزاد گذارد. اگر مطلقاً آزاد گذارده شود مثل حیوان وحشی است و تفاوتی بین او و وحوش نخواهد بود. یعنی همین شهوت، خانواده، اخلاق، انسانیت، حقوق، امنیت، همه چیز را نابود واز هم فرو می پاشد. تمام تجاوزها، فروپاشی خانواده، خیانت های جنسی، حقوقی و اجتماعی و... به خاطر شهوت افسارگریخته است. اما اگر کنترل شود مایه حیات فردی و نوعی بشر است. لذا نباید آن را سرکوب کرد بلکه باید به روشی مشروع تأمین شود. لذا اسلام هیچ شرط سنی برای ازدواج نگذاشته است. حتی اجازه می دهد فرد قبل از بلوغ جنسی ازدواج کند. یعنی اگر پدر و ولی فردی ازدواج را به مصلحت و به نفع او ببیند، می تواند برای او همسر انتخاب و برایش عقد کند. این حکم اسلام به این معناست که اسلام با غریزه جنسی باز و آزاد برخورد کرده است. برای اینکه معتقد است این نیرو را نباید سرکوب کرد. ولی نباید هم آزادش گذارد، درحالی که دیکتاتوری کند. دیکتاتوری شهوت بسیار خطرناک است. باید در حد تعادل از آن استفاده و به آن مجال بروز داد و در صورت تحطی با آن برخورد کرد. ولی نباید یک تاز میدان باشد.

نیاز از طریق ازدواج دائم تأمین نشود، ولی نباید از طریق غیر طبیعی و یا از طریق غیر اخلاقی و غلط تأمین گردد. چه در این صورت به خود و دیگران صدمه وارد می کند.

بنابراین اسلام برای موارد اضطراری و اورژانسی راه تأمین نیاز جنسی را باز گذارده است که اگر افرادی قدرت تشکیل خانواده دائمی را ندارند، بتوانند خانواده موقت (نه دوستی با جنس مخالف) تشکیل بدهند. پس ازدواج موقت هرگز به معنای این نیست که افراد برخوردار از خانواده دائم، دنبال ازدواج موقت بروند و گونه ای از شهوترانی و هرزگی را به اسم ازدواج موقت بی بگیرند. بر همین اساس ازدواج موقت هرگز خانواده های موجود را متلاشی نمی کند و به آنها آسیب نمی رساند. اتفاقاً در روایتی پیامبر(ص) می فرمایند: نفرین خدا بر «زواقین» یعنی کسانی که دنبال رابطه با زنان متعدد هستند. فرمودند نفرین خدا بر آن ها- چه به اسم ازدواج، چه به اسم غیر ازدواج- این همه تلذیب برای تأمین نیروی جنسی از طرف اسلام نشان از این معنا دارد که شهوت و جنسیت و نیروی جنسی در اسلام، نیروی خبیث نیست. درحالیکه برخی ادیان، شهوت را خبیث می دانند و حتی میل جنسی را گناه می شمارند، اسلام چنین عقیده ای ندارد. ما معتقدیم نیروی شهوت یک نیروی خدایی و حتی نعمت الهی است. خدا انگیزه و غریزه شهوت و انگیزه جنسی را برای انس گیری و تشکیل و ایجاد خانواده و بقای نسل در پسر و دختر قرار داده است. این نیروی شبتی که خداوند در اختیار بشر گذاشته اگر درست کنترل و تعدیل نشود و خودش هدف و مقصد تلقی گردد، به یک نیروی مخرب تبدیل می شود. این قاعده در تمام نیروها مصداق دارد که اگر کنترل و تأمین نشود دیگر نعمت نخواهد بود و نعمت است و به عاملی مخرب تبدیل می شود. مثل آب

زیبایی زن، جاذبه های زنانه، آرایش زن و رعایت همه آن چه که مربوط به جاذبه های زنانه است، بسیار تاکید شده است. یعنی هم بر ضرورت آن و هم بر بهره برداری از آن با حفظ حریم و حدود اخلاقی و شرعی توجه شده است.

اسلام تصریح می کند که زیبایی جزء ذات زن است. جاذبه زیبایی، زیبایی طلبی، و زیبایی شناسی نیروی است که در زنان به مراتب قوی تر از مردان است. در حالیکه بعضی از زیبایی ها را مرد واقعا متوجه نمی شود، قدرت درک زیبایی شناختی، در بعضی حوزه ها در زن بسیار قوی تر است. اسلام بین زن و زیبایی فاصله نمی اندازد. در روایات راجع به جزئیات مسائل زیبایی شناختی آمیزش زن و شوهر توصیه های فراوان شده است که در محافل عمومی قابل بیان نیست. هر کسی باید فقط خودش بخواند. مشکل ایجاد جاذبه توسط زن برای همسرش و بالعکس مورد توجه خاص اسلام است. مانند اینکه مرد باید برای زن و زن برای مرد(همسر) خودشان رامعطر کنند و باید به خودشان برسند و در مورد آرایش زن کاملا توصیه شده است. حتی در روایت تعبیر جاذبه های زنانه ای مثل عشوه شده است.

در محیط خانه جنسیت زن برای خانواده و شوهرش است اما از خانه که بیرون می آیند، زن و مرد دو انسانند نه دو جنس. حجاب در اسلام برای این تشریح شده است تا زن بتواند در جامعه حضور انسانی(نه جنسیتی) پیدا کند. لذا حجاب برای خانه نیست. حجاب برای خیابان است. یعنی عرصه عمومی نه عرصه خصوصی.

حجاب تشریح شده تا برای زن حریم ایجاد کند و بتواند وارد عرصه سیاست، اقتصاد، علم، فرهنگ و تعلیم و تربیت شود. اگر اسلام حجاب را بر زن واجب کرده، از این روست که می خواهد زن در جامعه حاضر شود، مستقی

### زیبایی در اسلام

زیبایی در اسلام اهمیت دارد. زیبایی نسبی است و همه هم زیبا هستند و لیکن اگر کسی مساله زیبایی و شهوت را اصل قرار دهد، بسیار خطرناک است. در روایتی پیامبر(ص) می فرمایند: زیبا رویانی که در خانواده بد و محیط فاسد بزرگ شده اند و درست تربیت نشده اند، مثل گلی هستند که در زباله دان روئیده اند.

این تعبیر پیامبر(ص) بسیار درخور دقت و مهم است. اولین معنا و مفهوم آن این است که زیبایی مهم است اما فکر نکنید همه چیز فقط زیبایی است. بسا کسانی که چهره زیبایی دارند واز نظر زیبایی می توانند به عنوان همسر انتخاب شوند. اما چون گلی هستند که در زباله دان روئیده اند. این چنین گلهایی برای زندگی و همدمی مناسب نیستند. یک انسان در زندگی فقط با قیافه طرف مقابلش و شریکش زندگی نمی کند. بلکه با شخصیت، اخلاق، انسانیت او زندگی می کند. همانگونه که شهوت مهم است اما شهوت بدون اخلاق، احترام متقابل، محبت و رعایت آداب انسانی نه تنها اصلا کافی نیست و بلکه مضر است زیبایی هم در اسلام اهمیت دارد ولیکن زیبایی بدون اخلاق، ادب، انسانیت برای زندگی کافی نیست و اکثرا کردن به آن مضر و موجب انحراف می شود.

### جایگاه زیبایی در ازدواج از نگاه اسلام

اسلام نسبت به زیبایی، به خصوص در مورد زن تاکید بسیار دارد. اما زیبایی غیر از مدگرایی و تجمل و... است. بعضی انسانها این دو مقوله را با هم یکی می پندارند و آنها را از هم تفکیک نمی کنند. در آیات و روایات روی مسله

خیالی. جنبه ذهنی آن بیشتر از جنبه واقعی آن است. توجه داشته باشید که نمی‌گوییم زیبایی دروغ است. نمی‌گوییم نباید حسن زیبایی شناسی داشت. اتفاقاً اسلام به این مسأله به خصوص بعد از ازدواج توصیه می‌کند. نکته مورد نظر این است که زیبایی نباید مبنای انتخاب قرار بگیرد والا به تحکیم خانواده آسیب می‌زند.

در روایات از ائمه هدی علیهم السلام نقل شده که زن و شوهر باید خودشان را برای همدیگر آرایش کنند. بنابراین مسأله زیبایی و زیبایی شناسی خیلی مهم هستند. مثلاً در یک نمونه خانگی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت شوهرم به من بی‌اعتنایی می‌کند و محل نمی‌گذارد. پیامبر (ص) پرسیدند: شما به خودتان در خانه می‌رسید؟ گفت: گاهی می‌رسم گاهی نه پیامبر گفتند: نه حتماً باید به خودتان برسید. این خانم رفتند و بعد از مدتی برگشت و پیامبر (ص) پرسیدند: مشکلتان با همسرتان حل شد یا نه؟ گفت: نه. پیامبر (ص) پرسیدند: به خودت رسیدی؟ عطر زدی؟ آرایش کردی؟ گفت: آری. ولی باز هم به من توجه نمی‌کند، پیامبر (ص) گفتند: بیشتر به خودت برس.

در اسلام زیبایی بسیار مهم است. اما در کنار زیبایی در درجه اول با شخصیت و با روح همسرمان زندگی می‌کنیم. مسیحیت ضد جنسیت و ضد لذت بود و لذا دین داری به سرکوب شهوت معنا می‌شود و وقتی که می‌خواستند بی‌زندگی و لذت بروند، مجبور بودند دین را کنار بگذارند. اما اسلام این چنین نیست. یکی از تفاوت‌های جدی اسلام با مسیحیت، همین نگاه باز اسلام نسبت به غریزه جنسی است. اسلام هیچ غریزه‌ای را سرکوب نمی‌کند، بلکه همه را تعدیل می‌کند. اما مسیحیت غرایز را سرکوب می‌کند چون همه را غیر دینی می‌شمارد.

حضور انسانی، نه حضوری مونت و جنسیتی! وقتی حجاب نباشد، زن و مرد وقتی با هم مواجه می‌شوند اولین یعنی که به چشم می‌آید، بعد زناگی و مرداگی آن دو است. یعنی اگر زن برهنه یا نیمه برهنه در اداره، دانشگاه، خیابان، تاکسی، ظاهر شود اولین چیزی که مورد توجه قرار می‌گیرد عناصر جنسیتی و زناگی و مرداگی آن دو است نه انسانیت آنها، در حالیکه اسلام می‌خواهد زناگی، حریم داشته باشد و الا مانع حضور آنها نشده است.

### ریشه‌ی اختلافات خانوادگی و طلاق

حقیقت این است که علت اکثر طلاق‌ها مشکلات اقتصادی نیست. مشکل عقلی و اخلاقی و فرهنگی سبب طلاق می‌شود. چون به شهوت، پول، تجملات اصالت می‌دهیم بدون اینکه سایر ابعاد زندگی را مورد توجه قرار دهیم. اینگونه طرز تفکر و رفتار نمودن خطرناک و موجب جلائی می‌شود. زیبایی در زندگی مشترک مهم است اما اصل و ارزش اصلی نیست. زیبایی افزون بر اینکه امری نسبی است و هیچ‌کس به طور مطلق نه زیباست نه زشت؛ نباید معیار رفتار و قضاوت و مبنای تعامل ما قرار گیرد. در حالیکه برخی از ازدواج‌ها به خاطر این مسائل از هم پاشیده است. ممکن است بعضی‌ها از نظر برخی زیباتر باشند. هیچ‌کس زشت مطلق نیست.

فیلسوفان هنر و متفکرینی که در علم الجمال تخصص دارند و افرادی که در تحلیل قوای نفس و یا در حوزه روانشناسی تجربی صاحب نظرند می‌گویند: زشتی و زیبایی امور واقعی نیستند، بلکه امری آمیخته با تخیلات و ذهنیات هستند. یعنی اگر چشم و نگاه ما نباشند در بیرون هیچکس نه مطلقاً زشت است و نه واقعاً زیباست. زیبایی و زشتی ترکیبی است از امر واقعی و امر ذهنی و

افراد نباید به عنوان الگو مورد توجه قرار گیرند، چون خودشان انسان‌های بیچاره‌ای هستند.

پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی ازدواج کند و ملاکش فقط پول همسرش با زیبایی چهره او باشد، مطمئن باشد که به منافع آن دو چیز هم نخواهد رسید. یعنی نه خیر پول را خواهد دید نه خیر زیبایی را. ولی اگر به انسانیت و دیانت همسرش توجه داشته باشد، خداوند لذت آن دو چیز را هم به او خواهد چشاند.

در روایت دیگری می‌فرمایند: هنگام انتخاب همسر متوجه باشید که همسرتان، قرارگاه جان و شریک مال و صاحب اسرار و جلوت شما است. زیبایی ظاهر مهم است اما زیبایی روح مهم‌تر. نباید تصویر زن و مرد هالیوودی معیار انتخاب همسر باشد.

یکی از عوامل طلاق ازدواج اجباری است. تا قبل از اسلام دختر حق انتخاب نداشت. از نظر اسلام تا خود دختر ازدواج را قبول نکند، این ازدواج مشروع نیست. اسلام نسبت به حق انتخاب دختر بسیار حساس است. اما از آن طرف از دختر هم می‌خواهد که از روی احساسات شخصی تصمیم نگیرد.

### اجازه پدر در انتخاب همسر

در مسأله ازدواج دختر اجازه پدر خیلی مهم است. خصوصاً در ازدواج اول، اکثر فقها فتوا دادند که بایستی پدر اجازه بدهد. چون پدر تجربه‌ی اجتماعی دارد و مصلحت دختر را می‌داند. او مرد است و مردها را بیشتر می‌شناسد و راحت‌تر می‌تواند از حقوق و مصلحت دخترش دفاع کند و او را از فریب مصون سازد. بسیاری از ازدواج‌هایی که بعد از رابطه‌ی دوستی دختر و پسری

زشتی و زیبایی غیر از این که امور واقعی نیستند و ترکیب واقعیت و ذهنیت هستند، عمدتاً با نگاه اول و دوم شکل می‌گیرند. یعنی آدر نگاه اول و دوم است که شما متوجه زیبایی و زشتی می‌شوید. به تدریج با چهره یکدیگر عادت می‌کنند و کمتر متوجه زشت‌تر و زیباتر بودن همدیگر می‌شوند. فرق آدم‌ها در قیافه جدی و ثابت نیست، بلکه پدیده‌ی شخصی، نسبی و متغیر است. زیباترین چهره‌ها، موقتاً زیبا هستند و بعد تغییر می‌کنند. معمولاً تفاوت در باره‌ی زیبایی تحت تاثیر حرف دوستان و دیگران قرار می‌گیرد. وگرنه وقتی خودشان متعادل نگاه می‌کنند، می‌بینند همسرشان هیچ عیبی ندارد. مهم رعایت اصول جذب بین فردی است که باید رعایت گردد. پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) همیشه این‌گونه امور را رعایت می‌کردند مثلاً؛ موی خود را چرب می‌کردند، بیشترین خرح شخصی شان پول عطر بود. مسأله آرایش و زیبایی و به خود رسیدن خیلی مهم است. در اسلام خوش پوشیدن، خوب پوشیدن، تمیز بودن به خصوص مسأله نظافت از جایگاه برجسته برخوردار است.

علت بعضی طلاق‌ها برخورد فانتزی و هالیوودی با ازدواج است. این خطر بزرگی است که در تشکیل خانواده و تحکیم آن باید بدان توجه کرد. به خصوص که این زنان و مردان تبلیغاتی هالیوودی که جلور دوربین می‌خندند، باید گریه‌های خلوت آنها را هم دید. به طوری که خودشان ترجیح می‌دهند زشت و خوشبخت باشند تا خوشگل بدبخت. و ترجیح می‌دهند فقیر خوشبخت باشند تا پولدار بدبخت. چون نه چهره زیبا نه مال زیاد، ملازمه‌ی خوشبختی ندارد.

مردان و زنان هالیوودی که برای تبلیغ کالا در خدمت سرمایه‌گذاری هستند، اغلب خودشان از خانواده و همسر خوب محروم و نیازمند ترخم هستند. این

اگر به این حد رسید، آنجا اسلام راه طلاق را باز گذاشته است. بعضی از ایدیان راه طلاق را هم بسته و آن را تحریم کرده اند، اسلام طلاق را حرام نکرده ولی بدترین حلال است. حلالی است که تأکید شده، سراغ آن نروید.

### تأثیر اقتصاد در ازدواج

یکی از علت های عمده طلاق و فروپاشی خانواده ها که باعث تأخیر در ازدواج هم می شود، بهانه های اقتصادی است. توجه دارید که می گیریم بهانه ی اقتصادی نه علت اقتصادی. بهانه اقتصادی برای همه وجود دارد. اگر بخواهیم بهانه بگیریم برای خیلی از خانواده هایی که الان مشکلات اقتصادی ندارند، بهانه کافی برای طلاق گرفتن فراهم است و از هم جدا می شوند و برای برخی هم بهانه ی تأخیر در ازدواج را فراهم می کند.

منظور این نیست که در ازدواج مشکل اقتصادی وجود ندارد. بسیاری از طلاق ها یا ازدواج هایی که با تأخیر انجام می شود، مشکل اصلیشان مشکل فرهنگی است. ولی بهانه اش بهانه اقتصادی. و الا اگر خانواده ها از نظر فرهنگی درست عمل نمایند و وظایفشان را در برابر هم بشناسند، هرگز طلاق رخ نخواهد داد. مثلاً اگر زن بداند که شوهرش مشکل اقتصادی دارد، دنبال تبعیضات و مخارج غیر ضروری نرود هرگز ناسازگاری بروز نخواهد نمود و با اگر مرد توانایی دارد، زندگی را بهتر و بیشتر تأمین کند و به خانواده اش فشار نیاورد، سخت ترین زندگی ها با مشکل اقتصادی هم قابل تحمل است. برخی از طلاق ها بسیار تعجب آور است. عامل اصلی خانوادگی محبت است نه تمکن مالی و چون محبتی بین آنها نیست برای جدا شدن از هم دنبال بهانه می گردند و اقتصاد را معرفی می کنند و الا زن و شوهرهای فراوانی هستند که با بزرگترین

در خیابان و ارتباط تلفنی و با یک لجنند و یک سلام و ... شروع می شود بسیار شکست پذیر است. پسر دو جمله عاشقانه به دختر می گوید و دختر باور کرده و دیگر شب و روز ندارد و با خود می گوید او وفادارترین شوهر است، او حاضر است برای من جان بدهد؛ برای من حاضر است همه کار کند و... معمولاً دختر در این قضایا فریب می خورد.

قدرت عاطفه دختر به مراتب خیلی بیشتر از پسر است. خدایوند قدرت احساس را به این دلیل در زن قرار داد که بتواند مرکز محبت خانواده باشد و بتواند مادری کند. ولی در عین حال همین نقطه قوتی که در زن هست در مواردی مانند انتخاب همسر به نقطه ضعف تبدیل می شود. لذا باید قبل از ازدواج فکر کند و نظر مشورتی پدر را اخذ نماید. انتخاب همسر فقط این نیست که همدیگر را ببینند و بگویند خوب نگاهش کردم و دیدم عیبی ندارد.

باید با هم صحبت کنند و راجع به خانواده های طرفین تحقیق کنند. اگر مرد بد اخلاق باشد و هر چه به او محبت شود او درک نکند و متوجه نشود، با او چه باید کرد؟ آیا راه علاجی به جز طلاق وجود دارد؟ برای فرار از این پیامدها باید هم دقت نمود و هم از مصلحت اندیش ترین افراد مانند پدر نظر خواهی نمود.

البته تحمل بعد از ازدواج سخن دیگری است. پیامبر(ص) در این باره فرمودند: مردی که اخلاق بد همسرش یا زنی که اخلاق بد شوهرش را تحمل کند خدایوند به تعداد روزها و شب ها برای او پاداش خواهد نوشت و خدایوند جبران خواهد کرد. اگر در دنیا جبران نکند در آخرت جبران می کند. اما گاهی بد اخلاقی طرفین به افراط می کشد و در حد ظلم آشکار است و زندگی با او غیر قابل تحمل!



آن لوازم لذتی ببرند. آنها چون موضوع مشترک قابل فکر و حل ندارند به سراغ تنوع و زیاده طلبی مسائل دیگر می روند. در حالی که زن و شوهری که برای خانه خود زحمت می کشند و بعد از بازده سال زحمت کشیدن صاحب خانه می شوند، وقتی این زن و شوهر وارد خانه خود می شوند از این خانه بیشتر لذت می برند تا آن دختر و پسری که اول زندگی کلید خانه را به دستشان می دهند. آن ها معلوم نیست از آن خانه بتوانند لذت ببرند. اما این ها از این خانه بیشتر لذت می برند. برای این که نداشتن خانه را حس کرده و برایش زحمت کشیده اند و قدرش را می دانند. پس بیشتر طلاق ها و تاخیر در ازدواج ها، بهانه اقتصادی دارد، ولی علت اقتصادی ندارند.

آنهایی که ارزش خود را به تعداد دست لباس و یا تعداد باری که بینی اش را عمل کرده، یا به وزن طلاهایش و یا به مدل مبلشان نمی دانستند بهتر زندگی می کنند. مقصود این نیست که نباید امکانات باشد. همه باید تلاش کنیم. چون همه به خانه، زندگی، امکانات، ماشین... احتیاج داریم. باید دنبال آن برویم، اما ارزش انسان به این امور نیست و به اخلاق و ایمان و انسانیت او است. مثلاً برخی افراد مهریه را تعداد زیادی سکه طلا قرار می دهند به گونه ای که همسر توان پرداخت آن را ندارد. درحالیکه اسلام مهریه کم را ارزشمند می داند و می گوید مهریه ای که کم باشد، ولی فوری پرداخت شود بهتر از زیاد نسیه است. پیامبر(ص) می فرماید؛ خیلی از کدورت ها در زندگی با همان مهر بالا شروع می شود.

اسلام با فقر مخالف است و امکانات زندگی لازم می داند. اما می گوید پول نباید اصل قرار گیرد و معیار خوشبختی معرفی شود.

مشکلات اقتصادی در زندگی دست و پنجه نرم کردند و عشق و محبتشان نسبت به یکدیگر، سال به سال بیشتر شده است. اما اگر مشکلات فرهنگی داشته باشند و از نظر اقتصادی هم مشکلاتشان درست شود، باز بهانه برای طلاق و بهانه برای درگیری های خانوادگی پیدا می شود. بهترین نمونه آن زن و شوهرهای فقیر خوشبخت و زن و شوهرهای ثروتمند بدبخت هستند. نمی گوئیم کسی نباید به دنبال پول باشد. خانه و ماشین و امکانات وسایل زندگی همه در حد نرم نیاز است. اما اگر کسی فکر کند که صرف اینها خوشبختی می آورد یا نداشتن این وسایل برای طلاق کافی است اشتباه است.

زندگی را نباید فدای لوازم زندگی کرد. اشتباه بزرگی که رایج شده این است که گاهی نیازهای کاذب خود نمایی می نماید که واقعاً نیاز قطعی خانواده نیست و در پی آن فقر کاذب یعنی احساس فقر هم در خانواده به وجود می آید. درحالی که واقعاً این گونه نیستند. این حالت فانتزی غیر واقعی خانواده را به سمت طلاق می کشاند. بر همین اساس برخی از دختران فکر می کنند شوهر آینده آل شوهری است که از همان اول همه چیز داشته باشد. فکر می کنند اگر با شوهری غیر از این شوهر ازدواج نمایند، سرش کلاه رفته است. یعنی فکر می کنند که از اول زندگی شوهر باید خانه، امکانات، ماشین و... داشته باشد و اگر نداشته باشد چیزی کم دارد. درحالیکه این فکر اشتباه است.

زندگی یعنی این که زن و شوهر، همراه هم و با کمک هم، قدم به قدم با هم مشکلات را حل کنند و اگر با روش اخلاقی با هم برخورد کنند، لذت زندگی در همین مشکلات و حل آنها است. معلوم نیست پسر و دخترهایی که از همان اول تشکیل خانواده همه امکانات در اختیارشان قرار داشته آیا از زندگی لذت می برند. درست است که آنها مشکلی ندارند که حل کنند، اما معلوم نیست از

جمال خداوند است و در حریم الهی امانتدار و محترم است، به کالایی که باید به مردهای خیابانی خدمات جنسی بدهد و در مغازه کنار آب جو فروخته شود، تبدیل می‌کند. آنها به عنوان آزادی و دفاع از حقوق زن کثیف‌ترین استفاده‌ها را از اوستی برزند به گونه‌ای که خود زن باور می‌کند که او فقط موث است و فقط زناکاری او مهم است و انسانیت او مهم نیست. هویت انسانی ندارد و فقط هویت جنسی دارد. لذا به محض اینکه از قیافه بیفتد و کمی صورتش چروک پیدا کند، دیگر برای مرد جاذبه جنسی نداشته و دیگر کمترین حرمت و کرامتی ندارد. کمترین پیام برهنگی همین است. ولی پیام حجاب به زن می‌گوید: قبل از این که زن باشی، یک انسان هستی، باید تو را به عنوان یک انسان در عرصه‌ی عمومی و اجتماعی بپذیرند و به رسمیت بشناسند. زن در اندیشه‌ی دینی می‌گوید: من اگر زن هستم برای همسر، زنم. در فرهنگ برهنگی زن باید خود را با دانته مردان هرزه سازگار کند. هویت او جنسی است برای همه مردها. نه برای مرد و زندگی خودش. زن برهنه هدف نیست، وسیله‌ای است در خدمت اهداف دیگران و اتفاقاً این بدترین نوع مردسالاری است. برهنگی زن، عین مرد سالاری است.

حجاب زن، مبارزه با مرد سالاری افراطی است. در واقع اگر کسی گفت ارزش زن در برهنگی او است و زن پرشیمان ارزش ندارد و زن باید برهنه باشد تا ارزش داشته باشد، این ایده همان مرد سالاری است. اولین کسانی که حجاب را از زن جدا کردند، زن را برهنه و مجبور به رابطه غیر اخلاقی و روابط آزاد و مبتذل کردند، آنها بزرگترین خدمت را به مردان فاسد و بزرگترین خیانت را در حق زنان روا داشتند. وقتی حجاب و حریم زن فراموش گردد، زن فرودست می‌شود. مثل عروسکی برای ارضاء شهوت مردان خیابانی! در حالی که خداوند

## حجاب و اجتماع

یکی از پیام‌های حجاب زنان در عرصه‌ی عمومی پرهیز از برهنگی است. از آنجا که نقش جنسی مرد با نقش جنسی زن فرق می‌کند، نوع انگیزه‌ها، روحیات، الیاف جنسی و رفتار جنسی در مرد و زن متفاوت است. لذا به زن توصیه می‌کند که در جامعه حجاب داشته باشد.

بنابراین باید در بخشی از احکام و مقررات مرد و زن تفاوت‌هایی وجود داشته باشد و الا مرد و زن هر دو باید حجاب داشته باشند. یکی از مهم‌ترین اهداف حجاب، طبق حکم اسلام این است که مردان و زنان در عرصه عمومی برهنه حاضر نشوند. سرویس جنسی عمومی و رایگان برای دیگران نشوند. رابطه جنسی باید باشد اما همراه با رعایت رابطه اخلاقی، حقوقی و مسئولیت پذیری نه بدون رعایت این حقوق و مسئولیت‌ها. فلسفه‌ی حجاب حمایت از شرافت انسان و بخصوص کرامت زن است.

امروز دنیا از قانونی شدن فحشا حمایت می‌کند. یعنی فحشا را قانونی می‌کنند. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای مدعی کرامت زن و تمدن، و حشانه‌ترین فرهنگ‌ها پیاده می‌شود. یعنی توتش محض و فاحشه‌خانه رسمی، حتی با اجازه دولت تشکیل می‌شود و به دولت، مالیات داده می‌شود. مالیات چه؟ مالیات شرف زن؟! می‌شود به شرف زن مالیات بست؟ فحشا و برهنگی قانونی می‌شود ولی حجاب نباید قانونی شود!!

واقعاً این نوع مقررات چه استدلال و توجیه عقلانی دارد؟ جوامعی که از برهنگی زن در عرصه عمومی حمایت می‌کنند ارزشهای انسانی را تغییر می‌دهند این جوامع حتی سکس را ارزشمند می‌شمارند و فحشا را تئوریزه و قانونی و حتی بالاتر از آن، تبلیغ و تشویق می‌کنند، زن را از موجود شریفی که

با مرد است. آنها باید وظایفشان را در قبال یکدیگر انجام دهند. در فرهنگ غرب، مرد فرادست می شود و زن به نام آزادی فرو دست، زن از خانواده خارج و پشت و پرتیزین ها قرار می گیرد و به جای انسانیت، جنسیت فروشی می کند. وقتی اسلام از رابطه ی جنسی صحبت می کند منظور یک رابطه ی انسانی است. رابطه ی جنسی می تواند یک رابطه ی انسانی، اخلاقی و عادلانه باشد و یا غیر انسانی و غیر اخلاقی و ظالمانه. می تواند کرامت زن را ملاحظه نماید و می تواند اهانت آمیز و تحقیری باشد. به تعبیر قرآن این رابطه می تواند به سکونت و آرامش روحی منتهی گردد. از نظر اسلام زن و مرد به هم نیاز دارند. مرد محتاج زن و زن محتاج مرد آفریده شده است. آنها برای احساس آرامش به هم احتیاج دارند. البته تجربه جنسی مشروع می تواند آرامش بخش باشد ولی ارتباط نامشروع بر خلاف رابطه مشروع و انسانی کامل کننده نیست، آرامش بخش و زندگی بخش نیست بلکه حتی بی رحمانه و تهی از انسانیت است.

### حجاب و امنیت اجتماعی

پوشش، سطح امنیت اجتماعی زن را افزایش می دهد یا به امنیت آسیب می رساند؟ به بیان دیگر آیا زنان وقتی پوشیده هستند، امنیت اجتماعی بیشتری دارند یا زمانی که برهنه هستند؟

برهنگی زن می تواند نوعی دعوت جنسی از مردان باشد. ممکن است یک زن بدون پوشش، انگیزه و هدف عرضه و دعوت جنسی از مرد را نداشته باشد. ولی این مساله به نیت آدمی کاری ندارد. چون مردانی که از عریان بودن او بهره می برند به اهداف بی حجابها توجه ندارند. تاثیر طبیعی برهنگی نوعی فرخوان و علامت مثبت و سیگنال دادن به مرد می باشد. البته مکانیزم جنسی

روحه زن را این گونه آفریده است که حتی با مردی که در حال استفاده بودن از اوست، به او دل می بندد. یعنی زن در همین شرایط هم به آن مرد، دل می بندد، در حالی که آن مرد اصلاً دلش آنجا نیست.

مردان فاسد فقط به فکر ارضاء خود هستند، آن هم در رابطه ای بدون مسئولیت پذیری حقوقی و اخلاقی و بدون احساس و عاطفه با زن. وقتی زن برهنه شد، می گوید اصل شخصیت مرا نبین و فقط همین چیزها را ببین که به درد خوردت می خورد و تو را ارضاء می کند، فقط به همین توجه کن. آیا برهنگی، توهین به زن است یا حجاب و پوشیدگی؟ کدام کرامت زن است؟ کدام توهین به او؟ چنین مردانی زن را به عنوان یک انسان انکار می کنند.

اسلام به چنین زنی می گوید این، مرد تو نخواهد شد. تو را دوست ندارد، تو را مصرف می کند. اتفاقاً مرد سالاری در جوامع بی حجاب رواج دارد و گرنه در جوامع اسلامی و در خانواده های مسلمان معمولاً مردسالاری حاکم نیست، خانم ها هر کاری را که می خواهند همان کار را انجام می دهند. البته برخی با زبان درگیری و برخی با زبان زنانه، ولی بالاخره کاری که می شود نهایتاً همان است. اتفاقاً زن در خانواده های اسلامی، کرامت و شأن بالایی دارد. در خانواده مسلمان زن تحقیر نمی گردد. نقش فراموش نمی شود و روابط استبدادی بر او حاکم نیست.

در روایات نقل شده از ائمه هدی(ع) می خوانیم: مرد مومن مردی است که طبق خواسته خانواده اش زندگی کند. مرد منافق مردی است که خانواده اش را مجبور کند که طبق خواسته او عمل کند.

در فرهنگ اسلام نه مرد سالاری داریم نه زن سالاری. در اسلام، حق سالاری و خدا سالاری است. در برخی موارد حق با زن و در برخی موارد حق

جنسی ازدواج آسان را در نظر گرفته است. یعنی اگر به قوانین و احکام اسلام عمل کنیم چیزی به عنوان عقده و فشار جنسی وجود ندارد. اگر اسلام روابط آزاد جنسی را ممنوع می کند، ازدواج را مورد ترغیب و سهل قرار داده است. اگر ما ازدواج را با آداب و رسوم بی منطق دشوار ساخته ایم، ربطی به اسلام ندارد. ما آنقدر موانع بر سر راه ازدواج گذاشته ایم که معلوم است چه اتفاقی می افتد.

اسلام اگر با برهنگی مبارزه می کند، راه تأمین مشروع نیاز جنسی را هم باز و بسیار راحت در دسترس قرار داده است تا خانواده ها ملامتی نشوند و به حق و حقوق زنان و مردان به خصوص زنان تعدی نشود.

بعضی می گویند اگر در روابط جنسی آزادی کامل وجود داشته باشد، مدتی حرص هست واندک اندک وضعیت عادی و ارتباطات تأمین و تصحیح می شود. آیا واقعاً این گونه است؟ یک راه بررسی این ایده مراجعه به واقعیت های خارجی است. اگر آمار بگیرید و بررسی علمی کنید بی می برید که در جوامعی که روابط جنسی غیر اخلاقی آزاد است، خشونت جنسی، تجاوز جنسی، به مراتب بیشتر است و حتی عقده ها و بیماری های روانی بیشتر است. غریزه جنسی نیرویی نیست که اگر یک سال و یا دو سال رها باشد خاموش شود و خود بخود آرام شده و فروکش کند. این غریزه یک نیروی قوی است که تا مرگ همراه آدمی هست. مخصوصاً در مردان که بازنشستگی جنسی ندارند.

## حجاب و احترام به زن

احترام به انسانهای دیگر یک موضوع انسانی است. انسانها به یکدیگر احترام می گذارند. در این بین موضوع مد نظر این است که آیا مردم به ویژه مردان در

زن و مرد با هم متفاوت است. به همین جهت کارکرد برهنگی در مرد و زن از جهاتی شبیه و از جهاتی متضاد است.

## برهنگی؛ مصونیت یا تهدید؟

شاید بگویند که مردها برای زنان چادری هم ایجاد مراعیت می کنند. در حالی که در جوامعی که چادر و حجاب نیست در خیابانها چنین مشکلاتی وجود ندارد؟ گویا خود حجاب آسیب آفرین شده است! چرا اینگونه است؟ چرا؟

این "چرا" مهم است، آیا عدم تعرض به زنان بی حجاب به علت تقوای مردان آن محیط است که تقوای آنها از مسلمانان هم بیشتر است؟ یا اینکه آنها شهرت ندارند؟ یا سبب دیگری دارد؟ جواب این مساله روشن است: وقتی در تمام دوران زندگی، حتی قبل از بلوغ جنسی، ارضاء جنسی صورت می گیرد و در مدارس ابتدایی به دختر و پسر، آموزش های جنسی می دهند و مراقبتهای ویژه را آموزش می دهند که به بیماریهای جنسی مبتلا نشوند وایدز نگیرند و... یک نوع دسترسی عمومی فراهم شده است. در این نوع جوامع که ارضاء جنسی مثل آب خوردن و از صبح تا شب در حال ارضاء بدون حریم اخلاقی و بدون حریم حقوقی هستند، طبیعی است که تراکم نیاز جنسی کمتر است و با اصلاً تراکم وجود ندارد و مدام در حال تخلیه فشار جنسی هستند. آنها همیشه در حال ارضای جنسی هستند.

اما راه حل اسلام در این زمینه چیست؟ جواب روشن است؛ اسلام از یک طرف مساله حجاب را مطرح کرده و آن را ضروری می شمارد تا فضای عمومی جامعه به آسیبهای جنسی آلوده نشود، واز طرف دیگر برای تأمین غریزه ی

خوبتر پیش می رود و حواس ها بیشتر متوجه کار است یا جامعه ای که زنان با پوشش ظاهر می شوند؟

اگر دقیق توجه نماییم متوجه می شویم در محفلی که زن با مرد نامحرم اختلاط دارد، آن زن بی حجاب برای حضور در این جمع بیشتر با مشکل مواجه هست تا یک زن محجبه.

### تدبیر دین در برابر غریزه جنسی:

برای تاملین غریزه جنسی سه راه وجود دارد:

۱. سرکوب شهوت و غریزه جنسی
۲. ارضاء بی حساب شهوت به طرز دائم
۳. ارضاء متعادل غریزه جنسی

اسلام با دو نظر اول مخالف است و طرفدار ارضاء متعادل شهوت است.

به غیر از انواع مختلف ارتباط به ویژه عاطفی، رابطه جنسی بین زن و شوهر یکی از علت های اصلی بر پا ماندن خانواده است. در جامعه ای که زن و مرد بیرون ارضاء می شوند، به رابطه جنسی میان زن و شوهر در درون خانه آسیب وارد می شود. آرایش، عطر، زیبا پوشی و حتی آرایش مرد برای همسرش، برای حفظ روابط خانوادگی لازم است. در روایت آمده اگر مرد می خواهد همسرش را نگه دارد، خوش پوش و خوش بو باشد. همان قدر که او نیاز دارد، همسرش درقبال او به خودش برسد، همسر او هم متقابلاً این نیازها را دارد.

سراسر دنیا به زن برهنه بیشتر احترام می گذارند یا به زن پوشیده؟ زن برهنه بیشتر مورد احترام است یا مورد شهوت؟ آیا برهنگی زنان و میل به استعمار جنسی و مصرف شدن توسط مردان برای تصاحب زنان و تجربه های جنسی مختلف با قطع نظر از اخلاق و عدالت، حقوق و... به حرمت زنان می افزاید؟

خوب است در اینجا به یکی از آیات حجاب اشاره کنیم که می فرماید: زنان مومن، خود را بیورشانند تا شناخته بشوند و جسارت و تعرض و توهین به آنها کمتر شود. افزون بر این جواب قرآنی آمار نیز نشان می دهد که در جوامعی که آزادی جنسی وجود دارد، تعرض و تجاوز جنسی خیلی بیشتر از جامعه ای است که زن در آن پوشیده است. با این که ظاهر امر نشان می دهد در جامعه ای که آزادی جنسی وجود دارد، دیگر همه به راحتی تخلیه می شوند و نباید تجاوز جنسی پیش بیاید. چون رابطه جنسی راحت تر است، دیگر چرا تجاوز جنسی خیلی با وجود این مشاهده می کنیم در چنین جوامعی ای آمار تجاوز جنسی خیلی بیشتر است.

### حجاب؛ مانع یا پشتوانه؟

ایده دیگری که در ارتباط با حضور زن مطرح می شود این است که می گوید پوشش زن موجب سلب فعالیت زن در جامعه می شود و یا برای او محدودیت می آفریند. در واقع این گروه به حجاب اشکال می گیرند که دست و پا گیر است. با حجاب که نمی توان فعالیت کرد و درون اجتماع رفت. حجاب مانع فعالیت علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی زن می شود و یا برعکس کمک می کند که زن در تمام عرصه ها با حفظ حریم و حرمت خود حضور فعال تری داشته باشد؟ به بیان دیگر آیا جامعه ای که غرق سکس و شهوت است، کارها

در حالی که بعضی خانم‌ها تمایل دارند، حتی قانون عرض شود و حجاب خود را بردارند. پس آیا حجاب تحمیلی، ارزش اخلاقی ندارد؟ چون تحمیلی است، ارزش عبادی ندارد و ریاکاری است؟

جواب این است که اولاً حجاب داشتن یک عبادت نیست.

ثانیاً اصمالت دو دسته اند. یکی بدون نیت، باطلند. مثل نماز، دسته دوم نیت موثر نیست. چون حکم قانون را دارد. مانند قوانین راهنمایی رانندگی: نمی توان گفت کسی که پشت چراغ قرمز ایستاده، ریا می کند. چون از ترس قانون اینچا ایستاده است.

این یک بحث قانونی اجتماعی است که تاثیر اجتماعی خود را دارد. البته این حجاب اجباری، تاثیر اخلاقی، معنوی برای خود فرد ندارد. حجاب انتخابی است که تفصیلت دارد. حجابی ارزش دارد که دانشجوی سال آخر دکتری در فرانسه، به خاطر حفظ حجابش دانشگاه را ترک می کند.

دسته ای از قوانین تاثیر فردی و معنوی و دسته ای اثر اجتماعی دارند. در نیت برای آن‌ها انسان مختار است.

می گویند قوانین حجاب برای چیست؟ این سوء ظن به مردان و زنان است، توهین به شعور مردان است، مگر مردان خودشان شعور ندارند که مثلاً نباید به خانم‌ها نگاه کنند؟

این بحثی است که اصلاً به شعور مربوط نیست، یک گزینه نیرومند طبیعی در مردان است. این حرف را در مورد تمام قوانین می توانید بگویید؛ این قوانین راهنمایی و رانندگی توهین به شعور شهروند است، خردم مگر شعور ندارم وقتی چراغ قرمز است بایستیم؟ نه. نداریم. چون همین الآن که چراغ قرمز است، روزی صدتا تصادف داریم. بنابراین این مسئله ربطی به شعور و توهین ندارد.

## حجاب و قانون

از جمله موضوعات قابل بحث قلمرو حجاب است به این بیان که حجاب پدیده ای خصوصی است یا عمومی؟ آیا شما هر جای دنیا که بروید، هر لباسی که بخواهید می توانید بپوشید؟

برخی معتقدند یک تصمیم فردی و شخصی است لذا برای آن دیگر قانون نمی توان نوشت. در واقع قانون ما می گوید هر چیزی را که دلت می خواهد، بپوش. اما اگر لباس و پوشش با امنیت اجتماعی و منافع اقتصادی و با بهداشت عمومی تضاد پیدا کند، در قالب قانون آن را ممنوع می کنند و حتی مانع حجاب می شوند.

توجه داشته باشیم که این رفتار متعارض را دیده و اعتراض نکرده اند؟ چطور برای منع حجاب قانون می گذارند؟ این قانون تجاوز به حریم خصوصی نیست؟ ولی اگر به نفع پوشش اخلاقی در جامعه قانونی باشد، دخالت در مسائل خصوصی است؟

اگر مساله خصوصی است، آن‌ها چرا قانون می گذارند؟  
چطور برهنه کردن زن با الزام قانون و پلیس عیبی ندارد، ولی الزام به برهنه نیامدن در اجتماع با حقوق بشر و آزادی منافیات پیدا می کند؟

آیا حجاب انتخابی و قانونی با آزادی منافات دارد؟  
آیا قانون، نفی آزادی است یا تنظیم آزادی؟  
بعضی زنان ما برای حفظ کرامت و حجاب خود حتی در برابر رضا خان هم ایستادند و حجاب خود را بر نداشتند.

حجاب، احساس حرمت و شخصیت دانستند. چرا که با حجاب اجازه نمی دهند مردان با نگاهشان به آنان توهین کنند و آن‌ها را مصرف کنند. از دید این زنان، حکم نفقه نیز برای زن احترام می آورد. آن‌ها می گفتند که از این احکام فمینیستی تر وجود ندارد. این‌ها همه حمایت از زن و حرمت به اوست. برخی می گویند:

حجاب عقده جنسی درست می کند، باید بی حیا و آزاد بود تا عقده جنسی ایجاد نشود. در صورتی که احکام ازدواج برای جلوگیری از عقده جنسی است. بعد هم آیا شما در مورد همه انحرافات این را می گویند؟ آیا منی گویند: به من نگو «سم» نخور و گرنه من عقده «سم» می گیرم.

گفته می شود: حجاب مرد سالاری است. اتفاقاً بی حجابی و بد حجابی مرد سالاری است. لباس با اخلاق ارتباط دارد. همانگونه که ظاهر با باطن مرتبط است. در آیه سوره نور تعبیر «نضی بصر» آمده، یعنی به همدیگر خیره نشوید. یعنی نگاه طولانی و معنی دار نکنید. نگاه های مکرر نکنید. به اصطلاح چشم چرانی نکنید. قرآن هم به مرد این تذکر را می دهد و هم به زن. که چشم چرانی نکنید. لباسهای بد نبوشید، روابط جنسی نامشروع نداشته باشید. شان نزول این آیه این است که یکی از پسران جوان مسلمان در خیابان راه می رفت، آن زمان زن‌ها روسری خود را پشت گردن می بستند و لذا گردن و سینه آن‌ها دیده می شد. پسر در حال رفتن نگاهش به خانمی دوخته شد و دیگر جلو پایش را نگاه نکرد، میخ دیوار در صورتش فرو رفت. خون سرازیر شد. پیامبر (ص) متوجه شدند و فرمودند این کفاره نگاه تو به آن زن مسلمان بود. و بعد از این آیه آمد که خانم‌ها باید گردن و سینه خود را بپوشانند.

حجاب مبارزه با زیبایی و جمال نیست. اتفاقاً خودآرایی به خصوص برای زن یک مسئله مشروع و درستی است البته برای همسر نه در عرصه عمومی برای دیگران.

می گویند عطر و آرایش زن در بیرون منزل حرام و در داخل خانه واجب است. اتفاقاً حجاب برای قربانی نشدن جمال روحانی در مقابل جمال جسمانی است. برای قربانی نشدن کمال، پیش پای شهوت است و لذا قرآن زینت ظاهر را منع نکرده است. خود قرآن می گوید زنان زیبایی های خود را بپوشانند. الا آن بخشی که ظاهری است و غیر از آن را لازم نیست بپوشانند. ولی داخل خانه آراسته و راحت باشند.

نشاطی که با برهنگی و هرج و مرج اخلاقی تامین می شود، نه ماندنی است نه بنیادی، با لیبرالیسم جنسی و کمونیزم جنسی بشر به نشاط هم نخواهد رسید. جالب است که کمونیسم و لیبرالیسم جنسی عمومی است و مال همه است. زن کرامت و حریم جنسی ندارد. عمومی است و جزو اموال عمومی است. اسلام با حجاب تمام درها را بسته است، درهای انحراف را بسته و درهای مشروع را باز کرده است.

حجاب یک علامت سمبلیک است. در دنیا حجاب دختر مسلمان یک سمبل و مفهوم ایدئولوژی شده است. یعنی دختر مسلمان با حجاب شناخته می شود. اصلاً در اروپا که حجاب را قانونی می کند وقتی در خیابان های پاریس یک نفر با حجاب رد می شود، در عین حال که همه گویند او را ندیده گرفته و از کنارش رد می شوند در دل به او درود می فرستند. حجاب در غرب بهترین تبلیغ اسلام است و به شدت جذب می کند. بیشترین رواج حجاب در انگلیس بین خانم های تحصیلکرده انگلیسی است. ایشان دلیل استقبال خود را از

زنان ما جزء سالم ترین زنانند. ببینید در جوامع دنیا زنان چگونه اند؟ زنان ایرانی جزء پاکدامن ترین زنان دنیا هستند. حتی بعضی از همین زنان هم که حجاب درستی ندارند، پاک دامند. این گونه نیست که همه آن ها فاسد باشند. باید طبقه بندی بشود، انواع بد حجابی ها و بی حجابی ها، بعضی شان فساد اخلاقی و فحشاء است که این بدترین نوعش است. البته این علت ها توجه به بدحجابی نیست. کسی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کند، کار غلطی می کند. ولی نوع و غلظت آن ها با هم فرق می کنند. بعضی از انواع بد حجابی به خاطر فساد و فحشاء است. نوعی هم به خاطر بی اطلاعی و جهل است.

### انواع بدحجابی

افراد بی حجاب در برخورد با حجاب به چندین گروه تقسیم می شوند:

۱. عده ای از زنان حجاب درستی ندارند، ولی تسبیح هم در دست دارند و ذکر می گویند. این حالت نشان می دهد که وی اصل رابطه اش با دین قطع نشده است. ولی جاهل است. نمی داند که دین چیست. باید به او آموزش داد. روزه می گیرد ولی حجاب را رعایت نمی کند.
۲. گروه دیگر بی حجابی را به خاطر راحت بودن پذیرفته اند. چون حاضر نیستند به خودشان سختی بدهند، بی حجابی را پذیرفته اند.
۳. گروهی بواسطه ی جو زدگی و کم شخصیتی به سراغ بی حجاب بودن می روند. آنها حجاب را قبول دارند ولی به خاطر جو محیط و اطرافیان و دوستانشان که میاد مورد تمسخر قرار بگیرند، بی حجاب می شوند. از نظر اسلام حجاب، علامت ترقی است. زن برهنه زن عقب مانده است.

پیامبر (ص) می فرماید کسی که محدودیت جنسی برای خود ایجاد کند، از ائمت من نیست.

یعنی عقده جنسی نباید باشد و محدودیت جنسی نداریم. رعایت اخلاق باید با تعادل باشد. در عین حال پیامبر (ص) حساس هم بودند. با پسر جوانی در راهی می رفتند. خانمی از پیامبر (ص) سوالی پرسیدند، در روایت آمده است که پسر نگاه معنی دار به زن کرد. پیامبر (ص) دستشان را روی صورت پسر گذاشتند و روی او را برگرداندند. فرمودند: آن سمت را نگاه کن.

راجع به قضیه زیورآلات هم باز اختلاف نظرانی هست. تعبیر دیگری در جای دیگر آیه ۳۲ سوره احزاب که به خانم ها بگو تیرج به سبک جاهلیت نکند. تیرج یعنی خورندگایی جنسی. یعنی زناکاری خود را در خیابان، در عرصه عمومی به عرضه گذاشتن!

آیه ۱۰ سوره نور حجاب را تحلیل می کند و می گوید که خانم های مسن که از ازدواج خود خارج شدند، واجب نیست حجاب سختی داشته باشند. یعنی یکی از جنبه های حجاب برای جاذبه های جنسی مطرح شده است.

قرآن و دین انسان را به حیا و عفت و تقوای جنسی، تقی رهبانیت و محرومیت و ریاضت جنسی دعوت می کند.

زن بدون حجاب ارزش ظاهری و سکس دارد و تا وقتی محترم است که چنین جاذبه ای برای مردان دارد. وقتی ستنش بالا رفت یا زنی پیدا شد که زیبایی اش از او بیشتر بود، ارزش خود را از دست می دهد.

مملکت ما یکی از اخلاقی ترین جوامع است. روزی فریب نخوردید که چون اینجا حجاب بیشتر است، فساد اخلاقی بیشتر است این ها دروغند، این گونه نیست.



ما برز ویا مرد بودن مقدم باشد. در جوامعی که زنان برهنه هستند، جاذبه های جنسی آنها بیشتر به چشم می آید.

علت دیگر ضرورت حجاب برای زنان مسلمان احترام قایل شدن است. یعنی زن باید احترام داشته باشد. یعنی احساس کند که به او نگاه های توهین آمیز و جنسی نمی شود.

در جوامع عربیان امتیاز زن ها کمتر و خشنونت علیه زن بیشتر است و از سویی دیگر به او توهین هم می شود. چون به او می گویند خودت مهم نیستی قیافه و هیكل و اندامات مهم است و من با قیافه تو کار دارم، تو خودت برای من اهمیتی نداری.

یک زن مسلمان به عنوان مسلمان انتظار دارد به او به عنوان یک انسان توجه شود نه فقط به مسائل زنانگی او.

نکته دیگر این است که اگر ارزش زن در جامعه فقط به زیبایی های او باشد، این نوع ارزش گذاری موقت و حتی کوتاه مدت خواهد بود. یعنی این ارزش منحصر به دوران محدودی است که او زیبایی دارد و بعد از کاهش یافتن زیبایی ارزش او نیز کاهش می یابد.

اگر احترام به زن به خاطر زیبایی های ظاهری و جاذبه های جنسی او باشد، این مدت احترام تا وقتی است که او زیباست. همین که زیبایی اش کم شده، این احترام هم کم می شود و لذا مرتب باید تلاش کند که خودش را برای مردان زیبا نشان دهد تا ارزش او محفوظ باشد. در حالی که در اسلام زیبایی اصلی زیبایی روح زن و مرد است و زیبایی شخصیت آنها است. البته زیبایی های ظاهری هم مهم است و هم باید حفظ شود، اما نه این که ارزش انسان به زیبایی

۴. گروهی دیگر به واسطه ی تربیت غلط خانوادگی و بی فرهنگی خانوادگی دست از حجاب شسته اند.

۵. برخی انسانها از روی اضطراب و عدم تعادل روحی از قبول حجاب سر باز می زنند.

۶. بعضی افراد به دلیل مسائل سیاسی با حجاب خدا حافظی می کنند.

۷. عده ای هم به خاطر لجاجت با خانواده با حجاب خدا حافظی می کنند.

۸. برخی به علت تأخیر در ازدواج و همسر یابی، خود را برای رسیدن به هدف عرضه می کنند که شاید یکی خوشش بیاید و شوهری پیدا شود.

البته همه این ها غلط است و هیچ کدام را نباید توجیه کرد.

## چرا حجاب

چرا در اسلام زنان، باید حجاب داشته باشند؟

حجاب در اسلام به عنوان حمایت از زن و احترام به زن، مطرح شد. زن مسلمان دوست ندارد وقتی در جامعه حاضر می شود، مردان مختلف به او نگاه جنسی کند. زنان مسلمان معتقدند رابطه جنسی فقط باید بین زن و شوهر باشد. یعنی مسائل مربوط به روابط جنسی مخصوص حریم خصوصی و داخل خانواده است. دو نفری که با هم صحبت می کنند به جنسیت طرف مقابل هم توجه دارند. مسلمان وقتی که در جامعه ظاهر می شود، باید تمام توجه دیگران به انسانیت او باشد نه به جنسیت او. جنسیت مخصوص خانه و برای همسر است. در بیرون همه انسان هستیم، نه زن هستیم و نه مرد. نباید در بیرون به گونه ای حاضر شویم که زن بودن یا مرد بودن ما برجسته شود. بلکه باید انسان بودن

ظاهری او باشند، که وقتی سن زن بالا رفت و کمی پیر شد و صورت او چروکیده شد و چهره اش تغییر کرد، ارزش او هم رو به زوال بروید.

پس برهنه شدن زن به تنفع زن نیست، بلکه به تنفع مردان است. برهنه شدن زنان در خیابان، در عرصه عمومی، به تنفع مردانی است که می خواهند استفاده رایگان کنند و لذت ببرند. زن مسلمان با حجاب ظاهر می شود چون خود را کالای تجاری نمی داند و برای خودش حرمت و احترام قایل است.

یکی از علل تضعیف و فروپاشی خانواده ها بی حجابی و برهنگی است. چون مردی که بیرون از خانه با جاذبه های متعدد و زیبای زنانه روبرو است، تعهد و وفاداری او نسبت به همسرش کمتر می شود. از آن طرف همسرش احساس می کند که شوهرش به او خیانت کرده و تمام توجه همسرش به زنان بیرون است. در نتیجه زن هم به شکلی در پی حل مشکلات خودش اقدام می کند و خود به خود پدیده ی خیانت شوهر به زن و زن به شوهر پیش می آید و به تدریج تضعیف خانواده و کاهش احترام زن جا باز می کند.

از دیدگاه اسلام زن و شوهر باید با هم دوست باشند. بخش کوچکی از خانواده و زندگی مسائل جنسی است. بخش بسیار بزرگتر خانواده دوست بودن زن و شوهر و رابطه عاطفی آن دو با هم است. قرآن می فرماید که زن و مرد باید به همدیگر آرامش بدهند. به تعبیر قرآن زن و شوهر باید برای همدیگر لباس باشند یعنی عیب های همدیگر را بپوشانند. قرآن می گوید: زن و مرد در مورد مسائل درون خانواده با هم مشورت کنند و رابطه ای از روی عشق و دوستی داشته باشند.

خانواده را با قانون نمی شود حفظ نمود، خانواده با عشق شکل می گیرد و مصون می ماند.

## حقیقت زن و مرد

در ایران خانم های بسیار مشخص در جامعه حضور دارند. دختران ما در مسابقه ها و در المپیادهای علمی، در فیزیک، شیمی، ریاضی، در سراسر دنیا مثال می آورند.

در فرهنگ اسلام مسائل را به زنانه و مردانه تقسیم نمی کنیم، از نظر ارزش، زن و مرد پیش خداوند یکسان هستند. از نظر وظیفه و حقوق هم زن و مرد، در بیش از ۹۰ درصد موارد مثل هم هستند.

البته تفاوت هایی در بعضی از وظائف و حقوق است. علت آن هم تفاوت واقعی بین زن و مرد است. سه دیدگاه در مورد حقیقت مرد و زن داریم.

۱. دیدگاه اول، نظر کسانی است که می گویند مرد و زن دو نوع موجدند، این نظریه افراطی و غلط است.

۲. یک نظریه افراطی و غلط هم می گویند زن و مرد، صددرصد مثل هم هستند و هیچ تفاوتی بین آن ها نیست، این نظر هم غلط است.

۳. زن و مرد بیش از ۹۰٪ با هم شباهت دارند. کاملا شبیه هم هستند و ارزش آنها پیش خداوند یکی است. اما مواردی هم وجود دارد که چه از نظر جسمی، چه از نظر روحی روانی، چه از نظر اعصاب، چه استعدادها، قوا، تمایلات، نوع لذت ها، با هم متفاوت اند.

در زیبایی شناسی زن و مرد با هم متفاوت هستند. بعضی ها می گویند اگر یک تابلو را به یک خانم و آقا بدهید تا ببینند و بعد بپرسید چه دیدید آنها تابلو را دو گونه توصیف می کنند. یعنی نگاه زنانه به زندگی با نگاه مردانه به زندگی با هم متفاوت است. اسلام می گوید هم شباهت ها را باید دید و هم این تفاوت ها را. منتهی نباید مرد و زن از این تفاوت ها علیه یکدیگر سوء استفاده کنند،

کنند، زن و مرد رقیب هم و دشمن هم نیستند. او به همسرش و همسرش به او کمک می کنند. این رابطه ای است که اسلام می گوید ملاک انسان عمل صالح است و زن و مرد فرقی با هم ندارند. اموری وجود دارد که خانم ها آن ها را خوب متوجه می شوند و یک اموری هم هست که آقایان آن ها را بهتر درک می کنند. این تفاوت خوب است. اگر مرد و زن، کاملاً شبیه هم باشند، غلط است. مناسبانه یکی از توهین هایی که به زن شده است و در دنیا منتشر می شود، این است که می گویند وقتی می خواهی ببینی ارزش زن چقدر است، ببین ارزش هایی که مردها دارند، زن ها هم دارند یا خیرا یعنی ملاک و معیار را برای ارزیابی زن، مرد می دانند و می گویند حقوق و احترامی که به مرد قابل هستید همان را برای زن نیز قابل باشید.

در اسلام این نوع تساوی درحقوق را نداریم. یعنی ارزش زن را باید با خودش و ارزش مرد را هم با خودش سنجید. نباید زن و مرد را با هم مقایسه کنید.

قرآن می گوید که نه مردها باید با خودشان بگویند ای کاش من زن بودم و نه زن ها بگویند ای کاش من مرد بودم. زن بودن و مرد بودن هر دو مهم است. هیچ کسی به اختیار خودش زن یا مرد نشده است و هیچ زنی نباید به زن بودن و هیچ مردی به مرد بودن خود افتخار کند. چون هر کدام در موقعیت خود به دنیا آمدند و هر کدام امکاناتی دارند. همه ما نزد خداوند مساوی هستیم و باید رابطه انسانی و اخلاقی با هم داشته باشیم.

مناسبانه در غرب آزادی زن با آزادی سکس مساوی شده است. یعنی برهنه کردن زن ها، برای مردان. اسلام با این نوع آزادی مخالف است. واقعاً آیا این آزادی به نفع زن است یا توهین به زن؟ زن را با بدن برهنه و نیمه برهنه پشت

یعنی اگر تفاوت های طبیعی است، مثلاً زور بازوی مرد، بیشتر از زن است. مرد نباید از قدرت بدنی اش علیه زن سوء استفاده کند، پیامبر(ص) فرمود: هر کس همسرش را مورد خشونت قرار دهد، مردی که زنش را کتک بزند و اذیت کند، خداوند از او بیزار است و پیامبر(ص) فرمود: از اذیت من نیست.

از آن طرف زن هم نباید از بعضی برتری هایی که دارد، علیه مرد و به نفع خودش استفاده کند.

تفاوت های حقوقی هم داریم. مثلاً اسلام می گوید زن وظیفه ندارد که تامین اقتصادی خانواده را بر عهده گیرد. یعنی زن را نمی شود به کار مجبور کرد. باید تا وقتی که درخانه پدر زندگی می کند، پدر و زمانی که ازدواج می کند، شوهرش متخارج زندگی او را با احترام و شرافتمندانه تامین کند. هیچ مردی نمی تواند به همسرش بگوید تو باید کار کنی و خرج زندگی خودت را خودت به دست آوری. اسلام می گوید این وظیفه مرد است. اما از طرفی، زن حقوق اقتصادی دارد، یعنی می تواند وارد اقتصاد شده و تجارت کند و مالکیت داشته باشد و مستقل از شوهرش و پدرش مالک شود.

پس شباهت ها حداکثر است، زن و مرد از حیث انسانیت نزد خداوند یکسان هستند. قرآن صریحاً می گوید ارزش انسان ها به ایمان و تقوی است. لیکن تفاوت های حقیقی از نظر جسمی و روحی و ... وجود دارند.

مثلاً بعضی استعدادها در خانم ها بیشتر است. و بعضی از استعدادها در آقایان بیشتر است.

آنجا که تفاوت زنانه بیشتر است، زن باید از آن استعداد به خانواده کمک کند. جایی که مرد توانایی بیشتری نسبت به زن دارد، هم همین مطلب صادق است. در واقع در فرهنگ اسلام، زن و مرد در خانواده همدیگر را کامل می

چون هیچ حریم خصوصی نیست. وقتی از حریم خانه بیرون می آییم، حریم عمومی است. وقتی حریم و قلمرو عمومی شد، در مورد آن می شود قانون گذاشت. قانونی به نفع جامعه، به نفع مصالح اجتماعی. این کار دیگر دخالت در حریم خصوصی نیست.

الآن در کشورهای غربی دختران مسلمان تحصیل کرده را از دانشگاه ها، مدیریت ها، پژوهشگاه ها، کتابخانه ها، مدرسه ها، اخراج می کنند. به این دلیل که حجاب دارند و می گویند چرا برهنه نمی شوید. بهانه ی آنها این است که حجاب برای بقیه پیام دارد. یک نوع تبلیغ و جریان سازی اجتماعی است. حتی خانم های غیر مسلمان هم از پرشش و حجاب به عنوان مد استفاده می کنند. یعنی حجاب به عنوان مد رایج می شود. وقتی از این خانم های غیر مسلمان پرسیدند چرا حجاب دارید؟ شما که مسلمان نیستید یا دیتان حجاب را توصیه نمی کندا در پاسخ گفتند که ما این گونه قشنگ تر، محبوبتر، زیباتر، معصومانه تر هستیم. با این گونه پوشش احساس هویت و امنیت و کرامت بیشتر می کنیم. ما با این گونه لباسها بیشتر احساس زن بودن می کنیم. هویت زنانگی، شرافت زن بودن، در این گونه لباسها بیشتر است. ما دوست نداریم که به عنوان کالای جنسی به ما نگاه کنند. اینها حرف زنان غیر مسلمان است.

زن تحصیل کرده ی انگلیسی مسلمان می شود، فقط به دو دلیل یکی قانون نفقه و دیگری قانون حجاب که در احکام فقه اسلام وجود دارد. یعنی غیر مسلمان ها هم از حجاب اسلامی الگو برداری می کنند.

پس در اینجا اگر غربی ها را قبول دارید، خیابان حریم خصوصی نیست و رعایت حجاب ضروری است و اگر اسلام را قبول دارید معلوم است که حریم خیابان حریم خصوصی نیست.

ویرین می برند که مردها ببینند و بگیرند این را می خواهم یا او را نمی خواهم. این توهین به زن نیست؟! اسلام اجازه نمی دهد به زن توهین بشود. اسلام می گوید که زن کرامت، شخصیت و حرمت دارد. فلسفه ی حجاب هم این است.

آیا این توهین به زن نیست که وسیله تبلیغ فروش کالا قرار گیرد؟ و در کنار اجناس کارخانه در حالت جریان خود را نمایش بدهد؟! زن مسلمان اجازه نمی دهد از او استفاده و به آنها توهین شود.

### حجاب، طالبانیزم، سکسوالیزم

آیا حکومت می تواند وارد مسائلی مثل لباس و نوع حجاب و شکل پوشش مردم بشود یا این که این گونه مسائل خصوصی هستند؟  
برای بررسی این موضوع ابتدا باید به تفکیک قلمرو بحث کنیم:

قلمرو خانواده:

شما چه بر مبنای غربی نگاه کنید و چه بر مبنای دینی و اخلاقی، نوع لباس پوشیدن در خانه و اطلاق خواب ربطی به حکومت ندارد. آنجا حریم خصوصی است.

قلمرو اجتماع:

قلمرو اجتماع مانند محیط عمومی خانواده و خیابان حریم عمومی هستند. وقتی کسی از خانه بیرون می آید یا وقتی از اطاق خود بیرون می آید و وارد حال منزل خود می شود، آنجا هم حریم خصوصی محض نیست. نمی تواند بگوید خانه ام هست و با لباس زیر جلو مهمان حاضر شود. حتی خواهر جلوی برادر و برادر جلوی خواهر باید حریم نگاه دارد.

## تاریخ اسلام، تاریخ مذکر نیست

تاریخ اسلام تاریخ مذکر نیست. البته چون مردان به تبع وظایفشان بیشتر در صحنه سیاست و اقتصاد و جنگ و... حضور دارند، طبیعی است که بیشتر در بعد مسائل سیاسی و اقتصادی نام مردان برده شود. اما فرهنگ اسلام فرهنگ مذکر نیست.

اسلام، حجاب را آورد تا زن در جامعه باشد. برای این که در خانه نیازی به حجاب نبود. حجاب برای اجتماعی شدن زن واجب شد. چون زن با عربیانی نمی‌تواند در جامعه، به صورت فعال ظاهر شود. باید بیشتر مواظب خورش باشد تا به او تعرضی نشود و بتواند مثلاً فعالیت‌های علمی اجتماعی سیاسی شود.

آنهايي که حجاب را کفن زن نامیدند و علامت مرگ دانستند برای این بود که می‌دانستند وقتی زن با پوشش وارد جامعه شود، می‌تواند اهل رزم باشد. در صورتی که آن‌ها می‌خواهند زن مخصوص محافل بزمشان باشد. اما زنی که با پوشش اسلامی وارد عرصه اجتماعی می‌شود، زن رزم است. زن سیاسی، اجتماعی و آگاه و متعهد است.

با حذف زن از تاریخ اجتماعی سیاسی اسلام، یک تاریخ جعلی خواهیم داشت. مرکز بخواهد زن را از تاریخ حذف کند دیگر آن تاریخ، تاریخ اسلام نیست. اسلام بر دوش زنان و مردان مومنین ساخته شده است. تاریخ اسلام را زنان و مردان با هم ساختند. نقاط عطف تاریخ اسلام، بدون حضور زنان تکمیل نشده است.

## حجاب از منظر قرآن

برخی می‌گویند حجاب را روحانیت درست کرده‌اند و مربوط به قرآن نیست. در صورتی که قرآن صریحاً اعلام کرده است که زن‌ها در جاهای مختلف چگونه خود را بپوشانند. اسلام حتی می‌گوید نوع پوشش زن و مرد نباید جلب توجه جنسی کند. چون زن از نظر روحی و روانی با مرد متفاوت است لذا حساسیت راجع به زن بیشتر است و گرنه در مورد مرد هم محدودیت وجود دارد. نوع پوشش زن و مرد در عرصه عمومی نباید به گونه‌ای باشد که فضا را جنسی کند.

اسلام می‌گوید که تحریک جنسی در عرصه عمومی باید به حداقل برسد. یعنی اول چیزی که باید به آن توجه شود، انسان بودن است نه زن و مرد بودن و حجاب پرده‌ای است در مقابل زینت و مردیت. اتفاقاً چون اسلام می‌خواهد زن در عرصه عمومی باشد، حجاب را آورده است.

پس اسلام راه فساد را بسته و می‌گوید باید به حریم جنسی همدیگر احترام بگذارید. نباید روابط خانثانه برقرار کنند. از طرفی راه ارضاء مشروع غریزه‌ی جنسی را باز گذارده است. یعنی ازدواج در اسلام آسان‌ترین چیز است.

ما در جامعه راه مشروع تأمین نیازهای جنسی را بسته ایم و ازدواج‌ها را سخت کرده ایم ولی تحریک خیابانی را آزاد گذاشته ایم. وقتی خانمی آرایش می‌کند محرک جنسی مذکر می‌شود، طرف مقابل، یکی از این دو راه را می‌رود. اگر با تقوی باشد سرش را پایین می‌اندازد. اما وقتی می‌بیند و تحریک می‌شود. دنبال ارضاء میل می‌رود. مشروع و غیر مشروع.

به ارضاء از طریق نامشروع، انحطاط می‌گوییم.

در آنجا مردم با حضرت علی (ع) برای اسلام پس از پیامبر (ص) بیعت کردند.

دوباره مستقلاً جلسه بیعت خانم‌ها با علی (ع) برگزار شد. جالب است بدانیم که زنان در غرب ۷۰-۸۰ سال است که آزادی بیان و حق رای پیدا کردند. یعنی تا قبل از این بحث بوده که اصلاً زن شهروند هست یا نیست؟ نظر زن مهم است یا نیست؟ در دنیا تازه نظر خانم‌ها مطرح شده. ولی در اسلام هر نقطه عطفی که پیش آمده، نظر زنان به صورت مستقل، مورد احترام بوده است. علاوه بر این فقط بیعت زنانی نبوده. شهید می‌شاند، فرزندی و همسر خود را حتی گاهی به زور به جهاد می‌فرستادند.

در جریان جنگ تبوک سه نفر به جهه نرفتند. بعد از جنگ پیامبر (ص) در مقابل اینها سکوت کرد و فرمود کسی با اینها حرف نزنند. مسلمانان از آنها روی برمی‌گرداندند.

زنانشان نیز قهر کردند. دنیا چنان بر ایشان تنگ شد که قرآن می‌گوید خودشان را به ستون بستند و گفتند خودمان را باز نمی‌کنیم تا خداوند ما را ببخشد. آیه نازل شد که بگو اینها بخشیمه شدند.

اگر زنانشان با آن‌ها کنار می‌آمدند، معلوم نبود متوجه اشتباه خود شوند. وقتی آیه جهاد نازل شد واجر مجاهدان نزد خداوند و درجه شهاده مطرح گشت، زنان مدینه خدمت رسول اکرم (ص) به اعتراض آمدند. پیامبر فرمودند: "همان اجری که مردان شما با شمشیر زدن به آن می‌رسند، شما نیز با حمایت آن‌ها به این اجری می‌رسید."

درعین حال شما در تاریخ اسلام زنانی را می‌بینید که در خط مقدم جهاد حتی شمشیر هم زدند.

بنیان حکومت اسلامی در بیعت عقبه گذاشته شد. پیامبر (ص) ابتدا مصعب بن عمیر را به مدینه فرستادند تا به آنها نظمی بدهد. مصعب با هیاتی که چند زن در آن بودند به مکه برگشت. آنها نماینده زنان مدینه بودند.

زنان مستقلاً در بیعت عقبه دوم حضور داشتند. این بیعت، سنگ بنای اسلام و استقرار حکومت اسلامی در مدینه شد.

پیامبر (ص) در مورد ایشان فرمودند: "شما چون ملایم‌ترین برادریم عیسی بن مریم هستید، اینک با من بیعت می‌کنید و این بیعتی است که تاریخ را خواهد ساخت."

بعد از این بیعت، بیعت زنان با پیامبر (ص) بارها در حساس‌ترین مقاطع تاریخ تکرار شد.

فتح مکه آغاز جهانی شدن اسلام است. در تجدید بیعت بعد از فتح مکه، بازهم زنان حضور دارند. جالب است که خداوند برای این قضیه، مستقلاً به پیامبر (ص) وحی فرو فرستاد که برای زنان جلسه مستقل از مردان تشکیل دهد. بیعت مردان به تنهایی کافی نیست. پیامبر (ص) نیز جلسه مستقل برای خانم‌ها گذاشتند. میثاقی عقیدتی، اخلاقی، سیاسی...

این میثاق در سوره ممتحنه آیه ۱۲ برای نفی شرک، سرفقت، زنا، فرزند کشی، بهتان و افترا بیان شده است.

یعنی این پیمان بر بنیای طهارت اخلاقی و عملی، طهارت اقتصادی و جنسی، طهارت اجتماعی و سیاسی بسته شد.

نقطه عطف دیگر غدیر است. در جریان غدیر خم باید سربوشت مردم پس از پیامبر (ص) تعیین شود. در غدیر بیش از صدو بیست هزار مسلمان حضور داشتند.

دیگری صغیه عمه پیامبر (ص) است که در جنگ خندق جنگیده و چند نفر از نیروهای دشمن را کشته است.

در یک محاصره یهودیان در یک پیمان شکنی، به زن ها و بچه ها و عده ای از مردها که اهل جنگ نبودند، از جمله حسان ابن ثابت؛ شاعر مشهور اسلامی؛ حمله کردند.

صغیه به حسان گفت: بلند شو کاری بکن.

حسان گفت: "هر چه می خواهید شعر می گویم ولی کار دیگری نمی توانم بکنم."

صغیه شمشیری برداشت و حمله کرد. چند نفر از یهودیان را کشت و آن ها را مجبور به عقب نشینی کرد.

اسماء بنت زینب، از راویان حدیث و معروف به خطیبه النساء، در جنگ تبوک با تیراندازی ۱۳ نفر از نیروهای دشمن را از پای درآورد.

یکی از این زن ها حضرت خدیجه (س) است که تمام ثروت و دارایی خود را برای اسلام خرج کرد. در روایت دارد که بعد از خدیجه هرگاه نام او می آمد، پیامبر (ص) اشک می ریخت.

اگر قهرمانی هست در کنارش باید ریحانه هم باشد. اگر زن نقش خود را فراموش کند هم خودش آسیب می بیند و هم جامعه از اعتدال خارج می شود. رفتار مردانه برای زن خوب نیست. اما زن می تواند به عنوان یک زن مجاهد باشد. زن مجاهد سیاسی باشد نه مرد باشد، و نه غیر سیاسی.

امام حسین (ع) که سبیل ایثار و جهاد است، حتی زن و دختر و خواهر خود را به کوران آتش، جایی که مردان بزرگ فرار کردند، می آورد.

سابقه صلیب سرخ، تقریباً به ۲۰ سال قبل می رسد. ولی سابقه زنان و رزمندگان زن ما به دوران پیامبر (ص) بر می گردد. ام زیاد می گوید: "پرستاری از مجروحین خیلی طبیعی بود و پیامبر (ص) هیچ وقت مانع نمی شد. ما حتی مهمات می آوردیم و در خط مقدم به رزمندگان می رساندیم."

با ام سلمه می گوید: "روزی پیامبر (ص) به جهاد می رفتند. من هم گفتم می خواهم به جبهه بیایم. اجازه می دهید؟ پیامبر فرمودند: بله اجازه می دهم. گفت من حداقل کاری که می توانم بکنم دوختن مشک های آب شماست. پیامبر (ص) فرمود: وجود شما باعث برکت می شود. گفتم می گذارید جلوتر بیایم. جلوی خونریزی رزمندگان را بگیرم؟ پیامبر (ص) فرمودند: بله خانم های دیگر هم اگر مایلند بیایند."

به این ترتیب فرمانده گروه خانم ها، ام سلمه همسر پیامبر (ص) بود.

نام های زیادی از این زنان ثبت شده است. مانند لیلیا غفاریه که جزه محدثین و روایان بزرگ بوده. ربیعہ، زنی از بنی غفار، ام عطیه که در هفت نبرد و جنگ در رکاب پیامبر (ص) حضور داشت. این زنان، مجروحین و کشته شدگان را به شهر می بردند.

رفیده بنیان گذار بیمارستانهای صحرائی، پرستار جنگ و جراح و پزشک بزرگ مسلمان بود که حتی اورتوپدی و شکسته بندی می کرد. او در جنگ احزاب یک اورژانس سیار در مسجد پیامبر (ص) بنا کرد.

امیحه بنت قیس از راویان مشهور و محدث بوده، که در صحنه درگیری ها بین کشته ها می گشت که اگر کسی زنده است جلوی خونریزی او را بگیرد و جنازه را به عقب بکشاند.

زنان و مردان این چنینی مشمول رحمت خداوندند. "من عمل عملا صالحا من ذکر او اتی" به هر کسی که عمل صالح انجام دهد اعم از زن و مرد، حیات طیبه می دهیم.

پیامبر(ص) فرمود: اگر زنی مسلمان به قبیله ای مشرک پناهنده گی داده، تمام مسلمین باید پشت او بایستند و حمایت کنند. یعنی امضای آن زن، امضای کل امت اسلام محسوب می شود.

این کرامت زن در دیدگاه اسلام است. و همین طور در آخرالزمان داریم که زنان نه تنها در بدنه، بلکه در راس حکومت امام زمان حضور دارند.

حتی در روایات داریم که در سراسر جهان برای زنی که در خانه وظیفه مدیریت خانه را دارد امکانات تعلیم به گونه ای می شود که حتی زنی در دورترین گوشه روستا راه معرفت برای او باز است.

وقتی پیامبر(ص) فرمود: "طلب علم بر زن و مرد مسلمان واجب است." یعنی رشد علمی زن باندازه رشد علمی مرد مهم است. اینها اصول اسلام است.

مثلا در روایتی آمده: "صدای زن، عورت زن است." این حدیث باید درست فهمیده شود. اگر این سخن مطلق باشد پس چطور فاطمه زهرا(س) بین مرد و زن صحبت می کند. بلند بلند گریه می کند و قبل از صحبت آه می کشد و با این صدای آه همه جمعیت شروع به گریه می کنند.

یا بحث خروج از خانه، یا اینکه چشم زن به مرد نیافتند؛ این ها کاملا درست است ولی باید درست تفسیر شود. ما دو مسئله داریم. یکی تکالیف اجتماعی دارد که بیرون از خانه تحقق پیدا می کند. اما از آن طرف شوهر باید حقوقی برای زن قائل شود. همان طور که زن وظایفی دارد، حقوقی هم دارد، خروج از

در عین حال امام حسین(ع) در اوج جریان کربلا یعنی ظهر عاشورا، زن بودن آن ها را فراموش نمی کند. می فرماید: ما وقتی از اوج می کنیم مهریه خانم ها را به عنوان حقیقتان می دهیم. آن ها هر چه بخواهند، می خرند. آن اطلاق، اطلاق خانم من بود که شما وارد شدید و این اطلاق حصیری مال من است. یعنی باید تفاوت زن و مرد را به رسمیت شناخت. این نیاز زن است و منافاتی با زهد و تقوی ندارد.

ولی هزاران قاعده فقهی، کلامی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی از آیات و روایات داریم که مسکوت مانده است.

در آیه "المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض" مردان و زنان مؤمن نیست به همدیگر صاحب ولایت شمرده شده اند. ولایت اجتماعی دارند. یامرون بالمعروف و ينهون عن المنکر. "خداوند می گوید به زنان و مردان این ولایت را می دهیم که به همدیگر نظارت کنند. معنی امر به معروف و نهی از منکر سرک کشیدن در زندگی خصوصی همدیگر نیست.

قرآن صریحاً می گوید حق سرک کشیدن یا جستجوی نقطه ضعف نداری. امر به معروف انواع مختلف دارد: اقتصادی، سیاسی، موقتی، خانوادگی، تربیتی...

هر جا که ارزش و ضد ارزش هست، باید موضع بگیرند اعتراض کنند، سؤال کنند.

اگر هیچ چیزی نبود همین یک آیه کافی بود. یک قاعده قرآنی است که شامل عرصه سیاسی هم می شود. وقتی می گوید مردان و زنان هر دو حق دارند این کار را بکنند، یعنی زنان حق مالکیت دارند. می توانند زکات بدهند.



پرسد: "نظرت راجع به علی چیست؟" سوره می گوید: "این کلمه برای دهان تو بزرگ است. راجع به علی بحث نکن!"

در شرایطی چنین جوانی می دهد که مردها همه ترسیده اند. صحبت های او کل دستگاه معاویه را متشنج می کند.

پس الگوی زن مسلمان این است. کسی است که با رعایت مسئولیت خانواده در برابر دو الگوی موجود غیر اسلامی حاکم بر جهان؛ چه کهنه و چه مدرن می ایستد.

یکی زنی که ضعیفه است و جزء وسایل منزلت

دوم زنی که فقط یا به درد حرمسرای قدیم می خورد و یا حرم سرای جدید. درحرم سرای قدیم بسته بود ولی درب حرمسرای جدید باز است. زن غیر سیاسی، ناآگاه ترسو، تحمل پرست که ذیابیش آن قدر کوچک است که مهمترین مسئله او جراحی دماغ یا مدل مبل و پرده یا تعداد لباس های میهمانی اوست. این بزرگترین مصیبت این زن است. این زن را در برابر سوره بگذازید.

ما الگوی جدیدی برای زن داریم که زن و مرد جهان به آن محتاج هستند. زنی که یک تنه در برابر امپراطور بایستد و در کوفه سخنرانی کند. بنابر این زن مسلمان از همان ابتدای اسلام حق انتخاب و حق بیعت مستقل و حق رای داشته است. بیعت سیاسی و عقیدتی... حق اعتراض و حق آزادی بیان و حق موضوع گیری سیاسی و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت بر همه امور اجتماعی داشته است و حتی به عنوان یک واجب شرعی حق دخالت دارد. حق مالکیت و حق تجمع و حق استقلال و آزادی بیان و ولایت اجتماعی سیاسی داشته است.

خانه یا اشتغال در بیرون خانه نباید مزاحم زندگی زن شود. نباید روابط او و همسرش را خراب کند. نباید اعتماد متقابل آن ها را از بین ببرد. نباید خانواده را متلاشی کند. نباید خانواده را فدای فعالیت غیر ضروری کرد.

باید حرمت خانواده و مسئولیت متقابل زن و شوهر و نقش مادری رعایت شود. در عین حال وظیفه شرعی اجتماعی هم هست.

علی (ع) در جواب فاطمه (س) می گفت: "بفسی انت. فدای تو"  
وقتی فاطمه (س) جواب علی (ع) را می داد، می گفت: "روحی بروحک  
الفداء جانم فدای جان تو"

این طرز حرف زدن زن و شوهر در اسلام است. سوره خانمی است که یک بار در حکومت علی (ع) در نماز جمعه شرکت می کند. بعد از نماز کنار حضرت می نشیند و می گوید: "من اعتراضی دارم. این آقا کیست که از طرف شما مسئول منطقه ما شده و به اسم شما کارهایی غلط می کند؟"<sup>۱۲</sup>

حضرت امیر وقتی مطمئن می شوند ایشان هم درست تشخیص داده در محل نماز بشدت متاثر شده، رو به آن قبیله می فرماید: "خدایا! تو می دانی کار این فرد بدون اطلاع من بوده و من به این ظلم راضی نیستم."

همانجا حکم عزل مسئول را می نویسد و به دست سوده داده و می فرماید: "شما مأمور هستید از طرف من این حکم را ابلاغ و اجرای نمایید."

این نقش زن در حکومت علی (ع) و جامعه اسلامی اوست. بعد از شهادت امام علی (ع) و سقوط حکومت امام حسن (ع)، معاویه حکومت بنی امیه را می گیرد. معاویه در بازجویی از همین زن می

جامعه اروپا اجازه نمی داد زنان کارشان را به نام خودشان امضاء کنند. مورخ اروپایی می گوید: "زنان خلاق در اروپا بعد از رنسانس مجبور می شدند کارشان را به نام مردان امضاء کنند. زنان موسیقیدان و نقاش زیادی بودند که نام پدر، برادر را بر روی کارشان گذاشتند. دوره مدرن رنسانس این گونه بود.

این وضعیت زن مسلمان در فرهنگ اسلام است. زن مدرن غرب زن برهنه ای است که هر وقت بخواهد سقط جنین می کند. هر وقت بخواهد تمکین می کند. این حقوق زن مسلمان بیش از ۱۴۰۰ سال است که برای او ثابت شده. در قوانین غرب زن را به عنوان شهروند به حساب نمی آوردند. تقریباً هشتاد نود سال است که دارای حقوق شدند. ما از زن در هزاره دوم فرهنگ آن ماصحبت می کنیم. آنها بعد از انقلاب فرانسه از مجلس فرانسه می پرسند که آیا به زنان حق تجمع می دهید؟ (نه) حق رای و بیعت) مجلس فرانسه جواب میهد: نه. ممنوع است.

در لندن این حق را نمی دهند و می گویند: هر جا چند زن جمع شوند فقط وراچی می کنند!

آیات و روایات مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش است. در تمدن یونان، مرد خدا بوده.

دردوران ظهور اسلام در خاور میانه، زن آنقدر ارتقاء پیدا کرد که در هیچ کجای دنیا ایقدر ارزش نداشت. شما فهرست زانی را که در اسلام در رشته های پزشکی نجوم هیت، تفسیر، عرفان، تخصص داشتند را بخوانید.

اما امروز متأسفانه مایقدر مظلومیم که بحث های حقوق بشر و حقوق زن را به عنوان سوغات از غرب بریمان می آورند. این ها بحث های حقوقی بشر را از عربی ترجمه کردند. مفهوم حقوق بشر از اسلام به آن جا رفت. بعد از رنسانس تفسیح حقوق زن بیشتر شد. در شرایطی که ما در جهان اسلام محدث زن داریم و روی از پیامبر(ص) و رساله های عرفانی از خانم ها داریم.

۱۰۰۰ سال پیش، بعد از رنسانس در اروپا بسیاری از کارهای علمی که به اسم مردان ثبت شده، کار زنان بوده. کارخواهر یا خانم یا مادرش بوده. متهی